

The Position and Role of the Red Crescent Society of the Islamic Republic of Iran in the Iraq-Iran War (1980-1988)

Golamreza Asadikord^{1*}

¹ Department of Management, University of Applied Sciences, Tehran, Iran

Received: 24 March 2021 Accepted: 1 June 2021

Abstract

The purpose of this article is to explain the legal status and study the guiding role and expression of the performance of the Red Crescent Society of the Islamic Republic of Iran during the Iraq-Iran war in the period 1359 to 1367 AH (1980-1988). The researcher intends to use theoretical and practical knowledge to explain the position, performance and valuable and exceptional experiences of this relief and non-profit organization during the war. The method of historical research and according to the subject, goals and time is based on intuitive-documentary study, books, articles, documents, statistics, reports of relevant devices and also personal experiences of the author, have been used to collect information. The mission of the International Committee of the Red Cross and international treaties are the basis for the legal status of the population charter. In order to play an effective role in the war, the performance and effective presence of this population have been examined from various aspects of support and spirituality at the domestic and international levels, and finally the top activities have been identified and explained as much as possible. In terms of innovation, this research is one of the few studies on the status, role and performance of the Red Crescent Society in the Iraq-Iran war, so as an effective step in this direction can be considered by the scientific community and relevant managers.

Keywords: Rescue, Red crescent society, Iraq-Iran war, Humanitarian law, Geneva conventions.

* Corresponding Author: Golamreza Asadikord

Address: Department of Management, University of Applied Sciences, Tehran, Iran.

E-mail: glolamrezaasadi2@gmail.com

جایگاه و نقش جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران در جنگ عراق با ایران (۱۳۶۷-۱۳۵۹)

غلامرضا اسدی کُرد^{۱*}

^۱ گروه مدیریت، دانشگاه جامع علمی کاربردی، تهران، ایران

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۱/۰۴ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۱۱

چکیده

هدف این مقاله تبیین جایگاه قانونی و بررسی نقش هدایتگری و بیان عملکرد جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران در جریان جنگ عراق با ایران در بازه‌ی زمانی ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ ه.ش. است. محقق بر آن است تا با بهره‌مندی از دانش نظری و عملی به تبیین جایگاه، عملکرد و تجارب ارزنده و استثنایی این سازمان امدادی و عام‌المنفعه در ایام دفاع مقدس بپردازد. روش تحقیق، تاریخی و با توجه به موضوع، اهداف و زمان مبتنی بر بررسی شهودی-اسنادی است. برای گردآوری اطلاعات از کتاب‌ها، مقالات، اسناد، آمارنامه‌ها، گزارش دستگاه‌های ذی‌ربط و همچنین تجارب شخصی نگارنده استفاده شده است. برای جایگاه قانونی اساسنامه جمعیت، مأموریت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و معاهدات بین‌المللی مبنای تبیین قرارگرفته‌اند. برای نقش‌آفرینی کارآمد در جنگ، عملکرد و حضور مؤثر این جمعیت از جنبه‌های مختلف حمایتی و معنوی در سطوح داخلی و بین‌المللی مورد مذاقه قرار گرفته و در نهایت فعالیت‌های برتر شناسایی و تا حد امکان تبیین شده‌اند. از جنبه نوآوری، این تحقیق از محدود پژوهش‌های انجام شده در زمینه جایگاه، نقش و عملکرد جمعیت هلال احمر در جنگ عراق با ایران می‌باشد، لذا به عنوان گامی مؤثر در این مسیر می‌تواند مورد توجه جامعه علمی و مدیران ذی‌ربط قرار بگیرد.

کلیدواژه‌ها: امداد و نجات، جمعیت هلال احمر، جنگ عراق با ایران، حقوق بشردوستانه، کنوانسیون‌های ژنو.

* نویسنده مسئول: غلامرضا اسدی کُرد

آدرس: گروه مدیریت، دانشگاه جامع علمی کاربردی، تهران، ایران

ایمیل: glolamrezaasadi2@gmail.com

مقدمه

در طول تاریخ مردمان زیادی بی‌گناه قربانی شده‌اند. با این وجود تا اواخر قرن نوزدهم هیچ نیروی سازمان‌یافته‌ای وجود نداشت تا برای نجات جان آدم‌های درگیر بلایای طبیعی و انسانی بکوشد. از این نظر تأسیس صلیب سرخ و هلال احمر، یک برگ سفید و درخشان در کتاب سرخ بلکه سیاه تاریخ بشر بود. جمعیت‌های ملی صلیب سرخ و هلال احمر به‌عنوان نیروهای کمکی مستقل از دولت، در حوزه بشردوستانه از مقامات دولتی در کشور متبوع خود پشتیبانی می‌کنند. دانش و تجارب بومی این جمعیت‌ها، دسترسی آن‌ها به جوامع محلی و زیرساخت آن‌ها این امکان را می‌دهد تا در هنگام جنگ و نیز دیگر نیازهای جوامع، بهترین کمک ممکن را به سرعت دریافت کند.

جنگ عراق با ایران، از مهمترین جنگ‌های دوره معاصر در فاصله ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ ه.ش. بود. این جنگ در پی مجموعه‌ای از عوامل زمینه‌ساز و مناقشه‌های فزاینده سیاسی- نظامی با تجاوز نیروی‌های عراق به ایران آغاز شد. تلاش ایران برای بیرون راندن دشمن و باز پس‌گیری مناطق اشغالی و غلبه بر عراق، بن بست جنگ و فرسایشی شدن آن، گسترش جنگ شهرها، استفاده‌ی گسترده عراق از سلاح‌های شیمیایی و نهایتاً دخالت نیروهای بیگانه در منطقه‌ی خلیج فارس، رویارویی امریکا با ایران، گسترش جنگ نفت‌کش‌ها و بین‌المللی شدن ابعاد جنگ و نیز عملکرد شورای امنیت سازمان ملل در طول جنگ و پس از آن در معرفی عراق به عنوان آغازگر جنگ و پذیرش مجدد قرارداد الجزایر از سوی این کشور، از جمله مشخصه‌های بارز آن به شمار می‌آید.

جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران در پابندی به رسالت ذاتی خود و با هدف کمک‌رسانی و تضمین حمایت از قربانیان درگیری و نزاع‌های مسلحانه که در راستای مأموریت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، حول محور گسترش عملکرد بشردوستانه، کنوانسیون‌های ژنو و نهضت صلیب سرخ و هلال احمر و سیاست‌های دولت جمهوری اسلامی ایران دور می‌زند، در مسایل امدادی و بهداشتی درمانی برون‌مرزی و درون‌مرزی و تعهدات مربوطه، مطابق اساسنامه خود عمل می‌کند. جمعیت و عوامل امدادی آن مأموریت دارد که در زمان جنگ و در تصادمات و برخوردهای مسلحانه، طبق مقررات ملی و بین‌المللی و مصون از هرگونه ممانعت و یا تعرض دستجات متخاصم، بی‌طرفانه به کمک مجروحین و آسیب‌دیدگان و پناهندگان و آوارگان و اسرا و جستجوی مفقودالائرها شتافته و به طرفین درگیر به نحو یکسان و بدون هرگونه تبعیضی کمک‌های انسانی خود را عرضه نماید و طرفین متخاصم مکلف به احترام و همکاری با جمعیت و عوامل آن می‌باشند (۱).

جمعیت هلال احمر ایران در طول تاریخ پرافتخار خود از روز آغازین تاکنون با پرچم سفید صلح در شاهراه انسانیت، سرافراز و پرافتخار، نقش آفرین صحنه‌هایی با شکوه از فداکاری و از خودگذشتگی

بوده است. سخن از تلاش‌ها، موفقیت‌ها و خدماتی که جمعیت هلال احمر به آسیب‌دیدگان، دردمندان و بینوایان، ارائه کرده و بیان لحظه‌های باشکوه نوع دوستی و ایثار و تصویر نمودن چهره‌های متبسم امدادگرانی که همواره آغوش پرمهر خود را به روی نیازمندان و مددجویان گشوده و نور زندگی را بر دل ناامیدان تابانده‌اند، به خودی خود کار آسانی نیست، به‌ویژه آن‌گاه که سخن از هلال احمر در میانه‌ای از جنگ، آتش، آوارگی، اسارت، جانبازی و شهادت به میان آید. به جد قلم و زبان قاصر است از این که بتواند صحنه ایثارگری امدادگران بی نام و نشان، آن‌گاه که بر صفحه زندگی آیندگان نور امید و صلح را می‌تابانند، به تصویر بکشد.

این مجموعه مختصر با بهره‌مندی از دانش نظری و عملی بر آن است تا برای ارج‌گذاری به این همه ایثارگری و نیز پاسداشت و انباشت تجارب ارزنده و استثنایی جمعیت در ایام جنگ در دو بخش مختلف اما مرتبط با هم به تبیین جایگاه، کارآمدی و عملکرد این سازمان امدادی و عام‌المنفعه بپردازد.

در بخش اول مبانی نظری و حقوق بشردوستانه بین‌المللی که بر جایگاه هلال احمر در مخاصمات تأکید دارد، تبیین می‌شود. در راستای این جایگاه مهم در بخش دوم به نقش آفرینی مؤثر جمعیت در طی هشت سال جنگ و پس از آن پرداخته می‌شود. در این خصوص فعالیت‌های برتر با جنبه‌های مختلف حمایتی و معنوی در سطوح داخلی و بین‌المللی شناسایی و تا حد امکان معرفی شده‌اند. عملکردی که کمتر به‌صورت جامع مورد اهتمام و اطلاع‌رسانی خاص و عام قرار گرفته است، شامل خدمات‌رسانی به آسیب‌دیدگان جنگ در خطوط مقدم و مناطق جنگی، فعالیت‌های پشتیبانی در پشت جبهه، نقش فعال در جنگ شهرها و تلاش برای رفع و کاهش آلام ناشی از آن، ارتباط با اسیران جنگی و جستجوی مفقودین، بازسازی اماکن درمانی آسیب دیده از جنگ و دیگر اقداماتی که در تمامی موقعیت‌های سخت و طاقت‌فرسای حاکم بر فضای جنگ و تا سال‌ها پس از آن از جایگاه قانونی به صورت داوطلبانه و ایثارگرانه و به طور مؤثر صورت پذیرفته است با این وصف جا دارد تا دیگرانی که در این تجربه تاریخی نقشی داشته و یا انگیزه‌ای در تقویت و تحول جمعیت دارند، به تکمیل و استمرار این مهم همتی عالی گمارند. مفاهیمی که در این مقاله مورد توجه می‌باشند عبارتند از:

- جنگ: واژه‌ای پارسی و کهن و پرکاربرد به معنای هر گونه درگیری (ذهنی و لفظی و بدنی) افراد با خود یا با دیگران، خصوصاً به معنای زد و خورد خشن میان گروه‌ها و اقوام، ملت‌ها و کشورها به انگیزه‌های مختلف؛ از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است. جنگ به‌عنوان واقعیتی آمیخته با شر، از جمله لوازم اجتناب‌ناپذیر زندگی اجتماعی به‌شمار رفته است. رفتارهای خصمانه در طول تاریخ، به‌ویژه در میان گروه‌ها و دولت‌های رقیب و همجوار، به اشکال گوناگون بروز کرده و از منظر اهداف و انگیزه‌ها، گاه فتنه‌جویانه و گاه عدالت‌طلبانه بوده‌اند.

نداشته باشد، پایبند بوده و در مسائل امدادی و بهداشتی درمانی برون مرزی و درون مرزی و تعهدات مربوطه در راستای سیاست‌های دولت جمهوری اسلامی ایران، مطابق اساسنامه خود عمل می‌کند (۱).

روش‌ها

روش تحقیق تاریخی مبتنی بر بررسی شهودی-اسنادی و با توجه به موضوع، اهداف و زمان ابزار گردآوری اطلاعات کتاب‌ها، مقالات، اسناد، آمارنامه‌ها، گزارش‌های دستگاه‌های ذی‌ربط و در پاره‌ای از موارد تجارب شخصی نگارنده است که خود شاهد بخشی از حوادث، اتفاقات و افت‌وخیزهای بخش امداد و نجات در جنگ بوده و در بخش‌هایی از مناطق جنگی در این خصوص مسئولیت مستقیم داشته است.

نتایج

بخش اول: جایگاه حقوقی و بین‌المللی جمعیت هلال احمر پیشینه و مبانی نظری و حقوقی

در حقوق بین‌الملل، جنگ درگیری مسلحانه میان کشورهاست که با اعلان صریح آن از سوی حداقل یکی از طرفین درگیر و با هدف دستیابی به منافع و مصالح ملی صورت می‌گیرد. بر اساس این تعریف درگیری‌های داخلی در داخل یک کشور، جنگ به مفهوم حقوقی آن به شمار نمی‌رود مگر آن که یک کشور ثالث این مخاصمه را به عنوان جنگ به رسمیت بشناسد. امروزه در بسیاری از اسناد کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC) و منشور ملل متحد (Charter of the United Nations)، به جای اصطلاح جنگ از تعبیر «برخورد مسلحانه» استفاده می‌شود تا درگیری‌های داخلی را هم دربرگیرد. ترکیب اصطلاحی «جنگ سرد»، که بیانگر نوعی موازنه وحشت فرهنگی و اعتقادی میان بلوک شرق و غرب پس از جنگ جهانی دوم بود، فاقد مفهوم حقوقی جنگ است.

امروزه قواعد حقوق نوین جنگ شامل قواعد حاکم بر روابط کشورهای متخاصم با یکدیگر یا با کشورهای بی‌طرف است. بخش مهمی از حقوق جنگ، ناظر به قوانینی است که شامل گروه‌های آسیب‌پذیر در جنگ، به ویژه غیرنظامیان، می‌شود. از جمله مقررات مربوط به مجروحان و کودکان و زنان و اسیران و روزنامه‌نگاران، ممنوعیت‌های مربوط به بمباران مکان‌های غیرنظامی و شکنجه و بازجویی غیرانسانی، قوانین مربوط به صلیب سرخ و تردد آمبولانس‌ها، تأسیسات بهداشتی و خدماتی، تأسیسات خطرناک یا عام‌المنفعه (مانند سدها، نیروگاه‌های هسته‌ای و خدمات آبرسانی عمومی)، اموال فرهنگی، قوانین حمایت از محیط زیست و مقررات مربوط به ممنوعیت استفاده از سلاح‌های غیرانسانی و خشونت بار، مانند گلوله‌های انفجاری، سلاح‌های شیمیایی، هسته‌ای، میکروبی و آتش‌زا.

با این همه، تجربه دو جنگ جهانی اول و دوم نشان می‌دهد

- نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر: بزرگترین شبکه جهانی بشردوستانه متشکل از حدود یکصد میلیون نفر است که با بی‌طرفی و بی‌غرضی به مردم کمک می‌کند تا خود را برای مقابله با بحران آماده کنند، کنار بیایند و از آن نجات پیدا کنند. سه جزء اصلی این نهضت عبارتند از: کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC)، فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و جمعیت هلال احمر (IFRC) و ۱۹۲ عضو ملی جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر. - فدراسیون بین‌المللی جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر (IFRC): این فدراسیون بین‌المللی یک سازمان بشردوستانه جهانی است که مسئولیت ایجاد هماهنگی و هدایت عملیات کمک رسانی بین‌المللی را پس از بلایای طبیعی و یا بلایای ناشی از عملکرد انسان در شرایط غیرجنگی به عهده دارد. رسالت این نهاد ارتقای وضع زندگی افراد آسیب‌پذیر از طریق بسیج نیروی انسان‌دوستی است.

- کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC): این کمیته یک سازمان بین‌المللی مستقل و بی‌طرف است که تلاش دارد حمایت و کمک‌رسانی بشردوستانه به قربانیان درگیری مسلحانه و دیگر شرایط خشونت‌آمیز را تضمین نماید. این سازمان در شرایط اضطراری وارد عمل شده و همزمان لزوم رعایت حقوق بین‌المللی بشردوستانه و ادغام آن در قوانین داخلی را هم ترویج می‌کند.

- حقوق بین‌المللی بشردوستانه (IHL): به مجموعه قوانینی اطلاق می‌شود که به دلایل بشردوستانه به روش‌های حمایت از اشخاصی که در مخاصمات شرکت نکرده یا دیگر در آن مشارکت نمی‌کنند و به تحدید آثار مخاصمات مسلحانه از طریق قاعده‌مند کردن ابزار و روش‌های جنگ‌افروزی می‌پردازند. این قوانین هم در شرایط درگیری مسلحانه بین‌المللی و هم غیر بین‌المللی اعمال می‌شوند (۲).

- معاهدات: ابزار اصلی حقوق بشردوستانه بین‌المللی مورد قبول جهانی است که برای حمایت از قربانیان جنگ در شرایط درگیری مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی اعمال می‌شوند. شامل کنوانسیون‌های ژنو که در ۱۲ آگوست ۱۹۴۹ تصویب شده و دو پروتکل الحاقی در سال ۱۹۷۷ و پروتکل الحاقی سوم که در سال ۲۰۰۵ به تصویب رسیده‌اند.

- کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ و ۲۰۰۵: مهم‌ترین قواعد محدودکننده خشونت جنگ هستند و از اشخاصی که در مبارزات مشارکت ندارند و اشخاصی که دیگر توانایی مبارزه ندارند، حمایت می‌کنند.

- جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران (RSCIR): این جمعیت موسسه‌ای خیریه، غیر انتفاعی و دارای شخصیت حقوقی مستقل می‌باشد که، به کلیه تعهدات و قراردادهای بین‌المللی مربوط به اهداف و وظایف جمعیت‌های هلال احمر و صلیب سرخ و نیز مقررات اتحادیه جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر که با قانون اساسی و سایر قوانین جمهوری اسلامی ایران مغایرت

(انجمن اول در نوامبر ۱۸۶۳ در ایالت وورتمبرگ آلمان بود) و به عنوان یک کانال ارتباطی بین آن‌ها عمل می‌کرد. اولین عملیات میدانی آن در سال ۱۸۶۴، در جریان جنگ آلمان و دانمارک بود. نمایندگان برای کار در هر طرف خط مقدم فرستاده شدند. این آغاز نقش عملیاتی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به‌عنوان یک واسطه بی‌طرف بین جنگجویان را نوید می‌دهد.

فعالیت‌های کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بر مبنای کنوانسیون‌های ژنو مصوب ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی به آن‌ها، اساسنامه این سازمان و نیز اساسنامه نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر و قطعنامه‌های کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر تنظیم می‌شوند. بنا به پیشنهاد کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بود که دولت‌ها کنوانسیون‌های ژنو اولیه را در ۱۸۶۴ تصویب کردند. از آن زمان، کمیته با حمایت تمامی اعضای نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر به‌طور مستمر دولت‌ها را تشویق کرده تا حقوق بین‌المللی بشردوستانه را با شرایط جدید تطبیق دهند، به خصوص با توجه به توسعه وسایل و روش‌های جنگی جدید، تا بتوانند حمایت مؤثرتری از قربانیان درگیری به عمل آورند.

امروزه، تمامی دولت‌ها بر اساس کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۴۹ ملزم هستند که در زمان درگیری مسلحانه از مجروحان، بیماران و کشتی شکستگانی که عضو نیروهای مسلح هستند و نیز از اسرا و غیرنظامیان حمایت و حفاظت نمایند. بیش از سه چهارم از تمامی دولت‌ها در حال حاضر عضو پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های مصوب ۱۹۷۷ هستند. پروتکل اول برای حمایت از قربانیان درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی است و پروتکل دوم برای قربانیان درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی. در این معاهدات به‌طور خاص قواعد لازم برای حمایت از جمعیت غیرنظامی در برابر آثار مخاصمات درج شده‌اند.

معاهدات و حقوق عرفی

«حقوق معاهدات» و «حقوق عرفی بین‌الملل» منابع اصلی حقوق بین‌المللی حقوق بشردوستانه هستند. معاهدات مورد قبول جهانی شامل کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷، منابع مکتوبی هستند که دولت‌ها به‌طور رسمی قواعد خاصی را بر آن اساس ایجاد می‌کنند. حقوق عرفی بین‌الملل از «رویه‌های عمومی پذیرفته شده به عنوان قانون» مشتق می‌شود.

۱. معاهدات

معاهدات، مانند کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو، و دو پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷، کنوانسیون‌هایی هستند که دولت‌ها به طور رسمی قوانین خاصی را بر آن اساس ایجاد می‌کنند. همچنین معاهدات می‌توانند در قالب پروتکل‌ها، پیمان‌ها، توافقنامه‌ها و غیره باشند. قواعد آن‌ها تنها به دولت‌هایی اعمال می‌شوند که رضایت خود را برای متعهد بودن به این قوانین ابراز کرده‌اند.

کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ و ۲۰۰۵ شاکله حقوق بین‌المللی بشردوستانه را تشکیل می‌دهند.

که این قبیل مقررات چندان موفقیت‌آمیز نبوده و حتی به گونه‌ای ضرورت فعالیت نظامی را موجه نشان داده است. در یک چنین میانه‌ای در مخاصمات مسلحانه حمایت از غیرنظامیان، مجروحان، کودکان، زنان، اسیران، بهبود ارائه مراقبت‌های درمانی بی‌غرض و مؤثر و خشونت علیه مراقبت‌های درمانی موضوعی پیچیده با ابعاد متعدد است که از حملات مستقیم علیه کارکنان و امکانات مراقبت‌های درمانی تا ممانعت از حمل و نقل درمانی و ناامنی کلی که بر دسترسی به مراقبت درمانی تأثیر می‌گذارد، متغیر است. با وجود چنین وضعیت پیچیده و بغرنجی موفقیت کمیته صلیب سرخ جهانی در آن است که توانسته دقیقاً این موضوعات مشترک را جستجو، تدوین و به کمال رسانده و آن‌ها را به عنوان قوانینی قابل قبول که کاملاً با طبیعت انسان سازگار است، برای همه ارائه نماید (۳).

منشأ تعهدات جمعیت هلال احمر در زمان جنگ

حقوق بین‌المللی بشردوستانه (IHL) با تأسیس صلیب سرخ در سال ۱۸۶۳ یا با تصویب اولین کنوانسیون ژنو در سال ۱۸۶۴ به وجود نیامده است. در حقیقت، هرگز جنگی وجود نداشته که هیچگونه قواعدی، مبهم یا مشخص، بر آن حاکم نباشد؛ این قواعد آغاز و پایان جنگ‌ها و همین‌طور نحوه هدایت آن‌ها را معین می‌کردند. به‌علاوه، در بسیاری از متون کهن همچون مهاباراتا، کتاب مقدس و قرآن، قواعدی برای حمایت و احترام به متخاصم وجود دارند (۲). منشأ تعهدات و قراردادهای بین‌المللی که بر جایگاه و نقش جمعیت هلال احمر به کمک‌رسانی و امداد در جنگ تصریح دارد را می‌توان در رسالتی که برای کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تعریف شده است، یافت. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ یک سازمان مستقل و بی‌طرف است که تلاش دارد حمایت و کمک‌رسانی بشردوستانه به قربانیان درگیری مسلحانه و دیگر شرایط خشونت‌آمیز را تضمین نماید. این سازمان در شرایط اضطراری وارد عمل شده و همزمان لزوم رعایت حقوق بین‌المللی بشردوستانه و ادغام آن در قوانین داخلی را هم ترویج می‌کند تا مانع رنج آحاد مردم شود (۳).

کنفرانس ژنو از توافق ۱۸۶۳ میلادی اعضای صلیب سرخ جهانی به‌عنوان مرجعی برای تعریف قوانین خود بهره برد. طی این قوانین، بی‌طرفی جامعه پزشکی در جنگ‌ها، حین کمک‌رسانی و مداوای مجروحین جنگی تعریف شد. در این معاهده بین‌المللی مصونیت نیروهای امداد رسان و پزشکی در میدان‌های جنگ، از حملات نیروهای متخاصم نیز به تأیید رسید.

همچنین در همین سال نشان صلیب سرخ رنگ بر روی زمینه سفید، ابتدا توسط ۱۲ عضو و سپس توسط تمامی اعضا به رسمیت شناخته شد. با شروع به کار صلیب سرخ جهانی قانون دیگری نیز به مجموعه قوانین آن افزوده شد. این قانون به محافظت از مجروحین و اسرای جنگی در نبردهای دریایی می‌پرداخت. این تحولات، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ را منشأ جنبش صلیب سرخ بین‌المللی و جنبش هلال احمر قرار داده است. در ابتدا، وظیفه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تشویق به ایجاد جمعیت‌های ملی بود

سرزمین‌های تحت اشغال هستند می‌باشد. به‌علاوه این کنوانسیون حاوی یک رژیم خاص درباره رفتار با زندانیان غیرنظامی است.

پروتکل‌های الحاقی

طی دو دهه پس از تصویب کنوانسیون‌های ژنو، درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی و جنگ‌های آزادی ملی تکرار بیشتری یافت. در پاسخ، در سال ۱۹۷۷ دو پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو تصویب شدند که حمایت از قربانیان درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی (پروتکل الحاقی اول) و غیر بین‌المللی (پروتکل الحاقی دوم) را تقویت نموده و بر نحوه جنگیدن در نبرد محدودیت اعمال می‌کنند.

پروتکل الحاقی دوم اولین معاهده بین‌المللی بود که منحصرأ به شرایط درگیری مسلحانه غیرنظامی پرداخت.

در سال ۲۰۰۵، پروتکل الحاقی سومی نیز برای کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو به تصویب رسید؛ این پروتکل نشان دیگری، کریستال قرمز، را ایجاد کرد که وضعیت بین‌المللی مشابهی همچون صلیب سرخ و هلال احمر دارد.

- پروتکل الحاقی اول (AP I): معاهده‌ای است شامل محدودیت‌هایی برای نحوه انجام عملیات نظامی در حمایت از قربانیان منازعات در مورد درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی نظیر افراد و جمعیت‌های غیرنظامی، اشیاء غیرنظامی، اشیاء فرهنگی و عبادتگاه‌ها، اشیاء ضروری برای بقای اجتماعات غیرنظامی و محیط طبیعی، الزام به جستجوی افراد گمشده و محافظت از فعالیت‌های سازمان‌های دفاع مدنی. این معاهده به این دلیل پدید آمد که روش‌های جدید جنگی توسعه یافته بود.

- بررسی اجباری: طبق ماده ۳۶ پروتکل الحاقی (AP I)، هر کشور عضو موظف است قانونی بودن سلاح‌ها، وسایل یا روش‌های جنگی جدیدی را که مطالعه، تولید، به‌دست می‌آورد و یا اتخاذ می‌کند، را ارزیابی نماید. این ارزیابی باید تعیین کند که آیا بکارگیری آن‌ها، در برخی یا همه موقعیت‌ها، باعث نقض قوانین AP I یا سایر قوانین حقوق بین‌الملل می‌شود.

- پروتکل الحاقی دوم (AP II): مربوط به حمایت از قربانیان منازعات و درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی با هدف گسترش قوانین اساسی حقوق بین‌المللی بشردوستانه است.

۲. حقوق بین‌الملل عرفی

حقوق بین‌الملل عرفی از قواعدی تشکیل شده که به عنوان «رویه‌های عمومی پذیرفته شده به عنوان قانون» در نظر گرفته می‌شوند و مستقل از حقوق معاهدات وجود دارند. حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی در مخاصمات مسلحانه امروز از اهمیت خاصی برخوردار است چراکه این حقوق خلا باقی‌مانده از حقوق معاهدات در خصوص مخاصمات بین‌المللی و غیر بین‌المللی را پر کرده و بدین شکل حمایت ارائه شده به قربانیان را تقویت می‌کند.

حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی به دو دلیل عمده در مخاصمات مسلحانه امروزه نیز ربط دارد. اولین دلیل آن است که

کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی حاوی مهمترین قواعد محدودکننده خشونت جنگ هستند. این میثاقیه‌ها از اشخاصی که در مبارزات مشارکت ندارند (غیرنظامیان، پرسنل درمانی، کارکنان امدادی) و اشخاصی که دیگر توانایی مبارزه ندارند (زخمیان، بیماران، نیروهای کشتی شکسته اسرای جنگی) حمایت می‌کنند.

کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو

- کنوانسیون اول ژنو: در حین جنگ سربازان زخمی و بیمار در خشکی را مورد حمایت قرار می‌دهد. کنوانسیون فعلی چهارمین نسخه از کنوانسیون اولیه ۱۸۶۴ ژنو در خصوص زخمیان و بیماران است که در ابتدا در سال ۱۹۰۶ و سپس در ۱۹۲۹ اصلاح گردید. این کنوانسیون از ۶۴ ماده تشکیل شده است و علاوه بر زخمیان و بیماران ناظر بر حمایت از پرسنل درمانی و مذهبی، واحدها و وسایل نقلیه درمانی نیز می‌باشد. این کنوانسیون، همچنین، به نشان‌های حمایتی (از جمله نشان هلال احمر) اعتبار رسمی می‌بخشد.

- کنوانسیون دوم ژنو: در حین جنگ از زخمیان، بیماران و کشتی‌شکستگان عضو نیروهای مسلح در دریا حمایت می‌کند. این کنوانسیون برای تطبیق با اصول کنوانسیون ۲۲ اوت ۱۸۶۴ ژنو درباره جنگ‌افروزی در دریا جایگزین کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه شد. مفاد آن از نظر ساختار و محتوی با مفاد کنوانسیون اول ژنو بسیار مشابه است. این کنوانسیون مشتمل بر ۶۳ بند است که منحصرأ به جنگ در دریا اختصاص دارند. برای مثال این کنوانسیون از کشتی‌های بیمارستانی حمایت می‌کند.

- کنوانسیون سوم ژنو: به اسرای جنگی می‌پردازد. این کنوانسیون جایگزین کنوانسیون مرتبط با رفتار با اسرای جنگی ۱۹۲۹ شد و مشتمل بر ۱۴۳ بند است. در مقایسه با کنوانسیون‌های اول و دوم ژنو، در این کنوانسیون دسته‌بندی‌های اشخاصی که در تعریف اسیر جنگی قرار می‌گرفتند گسترده‌تر شد. اماکن و شرایط بازداشت با دقت بیشتری تعریف شدند؛ به‌ویژه با توجه به کار اسرای جنگی، منابع مالی آن‌ها، کمک‌هایی که دریافت می‌کنند و روندهای قضایی که علیه آن‌ها پایه‌گذاری شده‌اند. این کنوانسیون مقرر می‌نماید که پس از پایان مخاصمات اسرای جنگی باید بدون فوت وقت آزاد شده و به کشورشان بازگردانده شوند.

- کنوانسیون چهارم ژنو: ناظر بر حمایت از غیرنظامیان، شامل آن‌هایی که در مناطق تحت اشغال هستند، می‌باشد.

این کنوانسیون متشکل از ۱۵۹ بند بوده و شامل بخش کوتاهی است که به‌طور گسترده به حمایت از افراد در برابر پیامدهای خاص ناشی از جنگ می‌پردازد؛ هرچند، نحوه هدایت مخاصمات در این بخش مورد بحث قرار نمی‌گیرد. بیشتر این کنوانسیون به وضعیت و رفتار با اشخاص مورد حمایت، تمایز میان وضعیت بیگانگان در سرزمین‌های تحت کنترل یکی از طرفین درگیری و وضعیت غیرنظامیان در سرزمین اشغال شده می‌پردازد. این کنوانسیون وظایف قدرت اشغالگر در خصوص غیرنظامیان را تصریح کرده و شامل جزئیاتی درباره امداد بشردوستانه برای اشخاصی که در

بین وزارتخانه‌ای مشابهی را تأسیس کرده‌اند.

اصول پایه حقوق بین‌المللی بشردوستانه

سه اصل اساسی حقوق بین‌المللی بشردوستانه عبارتند از:

۱. تفکیک: اصل تفکیک از آن‌هایی که جنگ را برپا داشته‌اند می‌خواهد تا میان افرادی که در مخاصمات شرکت می‌کنند و آن‌هایی که در مخاصمات شرکت ندارند (یا دیگر مشارکت نمی‌کنند) تمایز قائل شوند (۳).

این چیزی است که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ آن را «اصل تفکیک» می‌نامد. مطابق این اصل:

- حمله به غیرنظامیان ممنوع است.
- حمله به اشیاء غیرنظامی (خانه‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس، اماکن زیارتی، ابنیه فرهنگی یا تاریخی، غیره) ممنوع است.
- استفاده از سلاح‌هایی که غیرنظامیان یا اشیاء غیرنظامی را از اهداف نظامی تمیز نمی‌دهند، ممنوع است.

۲. تناسب: به معنای ربط داشتن از نظر اندازه و مقدار با چیز دیگری است. در حقوق داخلی، اصل تناسب معمولاً به این مفهوم دلالت می‌کند که مجازات یک جرم خاص باید با شدت آن جرم متناسب باشد.

اصل تناسب بیان می‌کند که حتی در صورت وجود یک هدف واضح نظامی، این هدف تنها در صورتی می‌تواند مورد حمله قرار گیرد که خطر آسیب دیدن غیرنظامیان یا اموال غیرنظامی، یا خطر کشته شدن غیرنظامیان، به نسبت برتری نظامی مورد انتظار بیش از اندازه نباشد (۳).

شمار کشته‌شدگان و زخمیان در میان غیرنظامیان و آسیب وارده به اشیاء غیرنظامی نباید به نسبت برتری نظامی مورد انتظار بیش از اندازه باشد.

۳. احتیاط: فرض اساسی در اصل احتیاط آن است که باید برای حمایت از جمعیت غیرنظامی و اشیاء غیرنظامی مراقبت همیشگی توسط تمامی آن‌هایی که در برنامه‌ریزی و اجرای حملات شرکت دارند، انجام گردد. به عبارت دیگر، این اصل بیان می‌کند که احتیاط‌های لازم برای انطباق با اصول تفکیک و تناسب باید انجام شود (۳).

اصل احتیاط مستلزم آن است که هنگامی که برای حمله به اهداف نظامی که می‌تواند به غیرنظامیان آسیب رساند، برنامه‌ریزی کردند (توسط بلندگو، از رادیو، با استفاده از علائمی که به سادگی قابل درک هستند، از طریق ریختن بروشورها، و غیره) به غیرنظامیان پیش‌تر اخطار داده شود، مگر شرایط تاکتیکی اجازه چنین کاری را ندهد.

همچنین اصل احتیاط به انتخاب سلاح‌ها و تاکتیک‌ها نیز مربوط است. اگر فرماندهی بخواهد یک ساختمان نظامی در مجاورت یک زمین فوتبال را نابود کند، انجام این کار در شب هنگام که به احتمال زیاد هیچ غیرنظامی در آنجا در حال بازی فوتبال نیستند یک احتیاط به جا خواهد بود.

بسیاری از دولت‌ها با وجودی که حقوق معاهدات که از اهمیت بسیاری برخوردار است را به تصویب نرسانده‌اند، ملزم به رعایت حقوق عرفی باقی می‌مانند.

دلیل دوم ضعف نسبی حقوق معاهدات در خصوص درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی است؛ درگیری‌هایی که گروه‌های مسلح در آن‌ها شرکت داشته و معمولاً در داخل مرزهای یک کشور واقع می‌گردند.

حقوق بین‌المللی بشردوستانه (IHL) و قوانین داخلی کشورها

IHL مجموعه‌ای از قوانین است که به دنبال محدود کردن پیامدهای بشردوستانه درگیری‌های مسلحانه است. گاهی از آن به‌عنوان قانون درگیری مسلحانه یا قانون جنگ (Jus in bello) نیز یاد می‌شود. هدف اولیه IHL محدود کردن وسایل و روش‌های جنگی است که طرفین درگیری ممکن است از آن استفاده کنند و اطمینان از حمایت و رفتار انسانی از افرادی که مستقیماً در جنگ‌ها شرکت نمی‌کنند یا در آن حضور ندارند. به‌طور خلاصه، IHL شامل آن قواعد حقوق بین‌الملل است که حداقل استانداردهای بشریت را تعیین می‌کند که باید در هر شرایط درگیری مسلحانه رعایت شود (۴). محوریت و غایت حقوق بشردوستانه، محدودسازی ضرورت‌های نظامی است (۵). برای آن که قواعد حقوق بین‌المللی بشردوستانه به‌طور واقعی تأثیرگذار باشند، مهم است که دولت‌ها معاهدات متعدد و دیگر اسناد مرتبطی را که بدنه حقوق بین‌المللی بشردوستانه را می‌سازند به تصویب رسانده یا بپذیرند، هرچند که تصویب این معاهدات تنها اولین قدم است.

معاهدات حقوق بین‌المللی بشردوستانه و دیگر اسناد مربوطه، موضوعات متنوعی را پوشش می‌دهند که شامل حمایت از کارکنان زخمی و بیمار نظامی، اسرای جنگی و غیرنظامیان، ممنوعیت یا تهدید استفاده از سلاح‌های خاص همچون مین‌های ضد نفر، سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک، و مهمات خوشه‌ای، تا ممنوعیت تاکتیک‌های رزمی خاص می‌باشند.

کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ و ۲۰۰۵ شاکله حقوق بین‌المللی بشردوستانه را تشکیل می‌دهند. تمامی دولت‌ها این کنوانسیون‌ها را پذیرفته‌اند و بنابراین مقید به تعهدات موجود در آن‌ها می‌باشند. در طول سال‌ها، معاهدات مختلف و سایر اسنادی که موضوعات ویژه حقوق بین‌المللی بشردوستانه را تنظیم می‌کنند، به تصویب رسیدند. از جمله تمهیدات عملی که دولت‌ها می‌توانند به کارگیرند عبارتند از: گنجاندن حقوق بین‌المللی بشردوستانه در کتب آموزشی و دفترچه راهنمای نظامی، علامت‌گذاری اشیایی همچون اماکن میراث فرهنگی و صدور کارت شناسایی برای مبارزان و اشخاص مورد حمایت. به‌علاوه دولت‌ها می‌باید آگاهی عمومی در خصوص حقوق بین‌المللی بشردوستانه را گسترش دهند. به منظور تسهیل تمامی این امور، دولت‌های بسیاری کمیته‌های ملی حقوق بشردوستانه و نهادهای

بخش دوم: عملکرد و نقش جمعیت هلال احمر جمهوری

اسلامی ایران در جنگ عراق با ایران (۱۳۶۷-۱۳۵۹)

مجموعه عملکرد جمعیت در این دوران را می‌توان در دو بُعد داخلی و خارجی و بر اساس هر نقش اصلی و فعالیت‌های فرعی در ذیل آن را به شرح زیر بیان نمود:

بُعد داخلی: امدادگری، ایثار و شهادت

به جرأت می‌توان گفت در دوران هشت ساله جنگ عراق با ایران حضور امدادگران جمعیت هلال احمر قوت قلب بزرگی برای رزمندگان و خانواده‌های چشم انتظار آنان بود. اینان در نهایت ایثار و از جان گذشتگی ۴۹۰ امدادگر شهید و بیش از ۱۲۰۰ جانباز، اسیر و مفقودالاثر از خود به جامعه و ارزش‌های متعالی خود عرضه داشتند (۶).

در کنار صدها امدادگر شهید، جانباز، آزاده و مفقودی که تقدیم آرمان‌های متعالی و انسانی جمعیت شدند و نیز همراه با هزاران نیروی مخلص تلاشگر کادر، امدادگر و داوطلب، مدیرانی متعهد و صاحب نفوذ در جمعیت حضور داشتند که در کسب افتخار برای جمعیت فعال، مؤثر و اثرگذار بودند. از جمله:

- مرحوم آیت الله غیوری نماینده ولی فقیه که با نفوذ معنوی و مردمی که در جامعه بویژه در بین معتمدین و بازار داشتند، با حضور مستمرشان در مناطق جنگی و سرکشی به اردوگاه‌های آوارگان ضمن ابراز همدردی و همراهی با آنان توانستند مشارکت خیرین را جلب و بسیاری از کمک‌های مردمی به سمت جبهه و آوارگان هدایت نمایند.

- مرحوم دکتر فیروزآبادی دومین شخصیتی بودند که در سال ۱۳۶۰ توسط شهید رجایی به عنوان رییس جمعیت هلال احمر منصوب می‌شود و در طول هشت سال جنگ سمت معاون امور دفاعی نخست وزیر و مسئولیت جانشینی نخست وزیر در قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا (ص) و ستاد امداد و درمان جنگ کشور بر عهده داشتند.

- سومین شخصیت مؤثر مرحوم دکتر وحید دستجردی بود، که از سال ۱۳۶۲ تا پایان جنگ و سال‌ها پس از آن به مدت ۱۶ سال ریاست جمعیت را عهده‌دار بودند. مرحوم دکتر وحید به دلیل سوابق مبارزاتی قبل از انقلاب و آشنایی که با مسئولین و صاحب منصبان عالی‌رتبه کشور داشتند، تا حد ممکن از نفوذ خود برای گسترش، دریافت اعتبارات و تقویت جایگاه جمعیت به خصوص در ایام جنگ همت نمودند و جمعیت را به عنوان سازمانی در تراز نهادهای انقلابی ارتقا بخشیدند.

- ام‌الاسرا، لقبی است که توسط مرحوم سیدعلی اکبر ابوترابی برای مرحومه خانم بهجت افراز رییس سابق اداره اسرا و مفقودین جمعیت هلال احمر انتخاب شد. آن زنده‌یاد از طرف مرحوم دکتر وحید دستجردی رییس وقت جمعیت هلال احمر به عنوان مسئول اداره اسرا و مفقودین جنگ تحمیلی دعوت به همکاری شد و از ابتدای سال ۱۳۶۳ تا پایان سال ۱۳۸۰ در این اداره به آزادگان و

خانواده‌های آنان و نیز خانواده‌های مفقودین سال‌های دفاع مقدس خدمت کرد. دو کتاب «ام‌الاسرا» و «چشم‌تر» حاوی خاطرات ایشان از سوابق مبارزاتی خانوادگی افراز و همچنین سال‌های خدمت در اداره اسرا و مفقودین جمعیت هلال احمر است.

- شخصیت دیگری که کمتر از ایشان یاد می‌شود مرحوم دکتر یعقوب علیپور معاون امداد و نجات جمعیت در آن ایام است که اساساً امداد و نجات جبهه و جنگ بی‌نام و حضور ایشان معنا نمی‌یافت. او در تمام ایامی که مسئولیت داشت به صورت شبانه‌روزی ضمن این که جریان مسائل و مشکلات جنگ را در همه مناطق جنگی و جنگ شهرها رصد و پشتیبانی می‌کرد، خود به شخصه در محل حادثه حضور می‌یافتند و به صورت مستقیم مدیریت عملیات امداد و نجات جبهه و جنگ را برعهده می‌گرفتند.

آمادگی مقدماتی جمعیت در حوزه ستادی و مدیریتی قبل

از آغاز جنگ

تجارب جمعیت هلال احمر ایران تا قبل از بروز رسمی جنگ عراق با ایران در شهریور سال ۱۳۵۹ عمدتاً در مقابله با حوادث طبیعی در داخل کشور و کمی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، مداخله در نجات مصدومین و مجروحین در جریان زد و خوردهای خیابانی نیروهای رژیم سابق با مبارزین و اعتراضات مردمی و انتقال آنان به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی بود. همان‌طور که اشاره شد به دلیل چالش‌های فراوان در بدو پیروزی انقلاب اسلامی بسیاری از توانمندی‌های جمعیت به شدت تحلیل رفته بود. اما با این وجود ضرورت توجه به جایگاه بین‌المللی جمعیت و ظرفیت وجودی آن موجب شد تا به تدریج دوران بی‌مهری و نامهربانی سپری گردد و نگاه منفی و رویکرد غیرسازنده جامعه، نهادها و نیروهای انقلابی که در روزها، ماه‌ها و سال‌های آغازین انقلاب و جنگ بر جمعیت سایه انداخته بود تغییر یابد.

در جریان درگیری‌های کردستان، ترکمن صحرا و ... و نیز سیل خوزستان علی‌رغم آن که امکانات در آن زمان محدود بود، اما جمعیت در حد توان حضوری مؤثر از خود بر جای گذاشت.

با آغاز جنگی طولانی و فرسایشی هشت ساله که تا آن زمان دنیا به خود ندیده بود به تدریج تجربه جدید و وسیعی پیش روی جمعیت گشوده شد. شرایط آشفته و بحرانی حاکم بر کشور و بروز حوادث طبیعی در مناطق جنگی ضرورتی پیش آورد تا جمعیت هرچه زودتر خود را با وضعیت جدید منطبق نماید. اگر چه این انطباق‌پذیری با تأخیر روی داد، اما به هر حال جمعیت سعی نمود تا با استفاده از جایگاه قانونی و بین‌المللی بخشی از مأموریت‌های اصلی خود را بازیابد. در این راستا در ستاد مرکزی به تشکیل اطاق امداد جنگ همت گمارد و در کنار دیگر نهادها و دستگاه‌های اصلی به عضویت ستاد امداد و درمان جنگ درآمد و با استقرار گروه‌ها و کمیته‌های مربوطه در تهیه و تأمین نیروی امدادی درمانی، دارویی، تجهیزات پزشکی مناطق جنگی و نیز پیگیری امور اسرا و مفقودین و جلب توجه مجامع بین‌المللی، به نقض قوانین و معاهدات

و یا جنازه‌های باقیمانده از نیروی دشمن یکی از ضرورت‌های مناطق جنگی محسوب می‌شد. از این رو بخشی از نیروی مورد نیاز جبهه در این خصوص توسط واحد امداد جبهه هلال احمر برآورد و تأمین می‌گردید).

تشکیل واحد امداد و جبهه

شرایط اضطراری و آشفتۀ حاکم بر امور جامعه و جنگ در آن ایام شدیداً بر دو گانۀ مدیریت بحران و بحران مدیریتی دامن می‌زد، این وضعیت به ندرت اجازه می‌داد که نهادهای سازمان‌های ذیربط مدیریت یکپارچه، سازمان یافته و هماهنگی را بر انجام امور اعمال کنند. در این زمینه آن چه که مزید بر علت شده بود وجود بسیاری از اشخاص و گروه‌های مختلفی بود که برای ادای دین و انجام تکلیف و با ایثار و جانفشانی فراوان در مناطق جنگی حضور می‌یافتند. این گونه نیروها در اغلب مواقع فاقد آموزش و تجربه لازم بودند. این امر بر وضعیت امداد و درمان که به افراد آموزش دیده، متخصص و با تجربه نیاز داشت، نیز حاکم بود. جمعیت در حوزه کاری خود و در ستاد مرکزی معاونت امداد برای پایان دادن به یک چنین وضعیتی با فراخوان نیروهای پراکنده‌ای که درگیر مسایل امداد و نجات در مناطق جنگی بودند، به سازماندهی آن‌ها در واحدی به نام امداد جبهه اقدام نمود. در استان‌ها این واحد زیر نظر مدیران عامل تشکیل و پس از آن کلیۀ نیازهای مربوط به مناطق جنگی و جبهه و جنگ از طریق واحد امداد جبهه هماهنگ و عملیاتی می‌گردید.

این اقدام جمعیت موجب شد تا پس از آن فعالیت‌های مربوط به جبهه و جنگ سامان یافته و از انضباط و انسجام بیشتری برخوردار شود و خصوصاً تهیه و تأمین نیازهای ضروری درمان مصدومین و انتقال مجروحان جنگی و دیگر آسیب دیدگان از جنگ به پشت جبهه و نیز نیازهای تدارکاتی و تجهیزاتی آنان در هماهنگی و ارتباط منسجم‌تری با مسئولین، ستادهای امداد و درمان مناطق جنگی به‌ویژه یگان‌های درگیر در جنگ مثل بسیج و سپاه پاسداران قرارگیرد. اهم این فعالیت‌ها عبارت بود از:

- برآورد واقعی نیروی امدادگر و دیگر منابع انسانی مورد نیاز از طریق شعب جمعیت و یگان‌های نظامی مستقر در مناطق جنگی.
- هماهنگی با مراکز استان‌های جمعیت برای جذب، آموزش و تأمین نیروهای مورد نیاز و صدور مجوز به آنان برای اعزام به مناطق جنگی.

- اعزام خودروهای امدادی با بهره‌گیری از ۳۴ درصد از آمبولانس‌های سبک و اتوبوسی به همراه راننده و تجهیزات امدادی به مناطق جنگی.

- اعزام خودروهای پشتیبانی سنگین و سبک با بهره‌گیری از ۵۷ درصد از کامیون‌ها و تریلرها و ۹ درصد از خودروهای عملیاتی شامل وانت، استیشن و نظایر آن؛ جمعیت در بخش فعالیت‌های ترابری و اعزام خودروهای امدادی و عملیاتی سبک و سنگین در ۶۶ هزار و ۵۸۵ مورد مأموریت‌های مختلف امدادی و پشتیبانی از

بشردوستانه بین‌المللی توسط دشمن متجاوز نقشی فعال از خود به نمایش گذارد. در این ایام هنوز بسیاری از امکانات، ساختمان‌ها، مراکز درمانی و تجهیزات جمعیت در تصرف دیگران بود و همین امر پیشبرد امور جنگ را برای جمعیت سخت و بطئی می‌کرد، اما در عین حال تغییرات مداوم ساختاری و مدیریتی و تلاش‌های اعتمادساز بیشتر در کنار دیگر دستگاه‌های درگیر در امورات جنگ کمک کرد تا به تدریج آمادگی و توان جمعیت تقویت گردد و با ایجاد فضای مانور وسیع‌تر روز به روز بر گسترۀ مأموریت‌ها و کارآمدی آن افزوده شود.

عملکرد امدادی جمعیت در جبهه و جنگ

اعزام نیروی انسانی

در طول جنگ بالغ بر ۷۲۴۴۲ (هفتاد و دوهزار و چهارصد و چهل و دو تن) نیروی داوطلب مورد نیاز (۶) از طریق فراخوان جمعیت جذب، آموزش، سازماندهی و به مناطق جنگی اعزام شدند، شامل:

- کادر وابسته پزشکی؛ (شامل متخصصین بخش‌های مختلف پزشکی و جراحی، پزشکیار، پرستار، تکنسین بیهوشی و اطاق عمل، این بخش از نیرو معمولاً به صورت فردی برای مراکز درمانی و بهداری‌های مستقر در جبهه تأمین می‌شدند و یا حسب اعلام ستاد امداد و درمان مناطق جنگی به صورت تیم‌های اضطراری برای عملیات‌های پیش‌رو اعزام و در بیمارستان‌های صحرایی خط مقدم بکارگیری می‌شدند).

- امدادگر آموزش دیده مجهز به امکانات و تجهیزات انفرادی امدادی و کیف کمک‌های اولیه به تعداد ۶۰۷۳۸ نفر (۷).

- رانندۀ خودروهای سبک و سنگین و ماشین آلات راه‌سازی؛ (خودروها و ماشین آلاتی که برای نقل و انتقال رزمندگان، تجهیزات و امکانات، تأمین مایحتاج ضروری رزمندگان و نیز سنگرسازی و ایجاد خاکریز در اختیار جبهه و جنگ بودند، در بسیاری از اوقات به دلیل مرخصی و یا جابجایی نیروی راننده به جایگزین نیاز داشتند. جمعیت حسب نیاز و اعلام مناطق جنگی با فراخوان عمومی این نیروها را جذب و به جبهه اعزام می‌نمود).

- مکانیک و تعمیرکار خودرو؛ (در طول جنگ بسیاری از خودروهایی که در اختیار امداد و نجات و جنگ بودند به دلیل استهلاک زیاد و حتی اصابت بمب، تیر و ترکش نیازمند تعمیر و راه‌اندازی مجدد بودند. به همین منظور واحد امداد جبهه اقدام به جذب و اعزام مکانیک و تعمیرکار خودرو به مناطق جنگی می‌نمود).

- نیروی فنی، تأسیساتی و نظایر آن؛ (جمعیت برای راه‌اندازی بیمارستان‌های صحرایی، ایجاد حمام‌های صحرایی، تعمیرات مراکز درمانی و بیمارستانی آسیب‌دیده و دیگر امورات مناطق جنگی به تأمین بخشی از نیروی تأسیساتی و تعمیراتی مورد نیاز اقدام می‌نمود).
نیروهای خدماتی، تخلیه‌گر، آشپز و کمک آشپز؛ (تهیه غذای گرم برای رزمندگان و امدادگران به‌ویژه یگان‌های پدافندی به همراه نیروی پخت‌وپز و نیز افرادی برای تخلیه مصدومین، شهدا

وقتی مجروح‌ها سوار قطارهای اکسپرس خواب متعلق به راه آهن می‌شد، به تعداد مجروحین بیمارستانی معادل یک مسافر پول بلیط، توسط جمعیت به راه آهن پرداخت می‌گردید.

- به محض این که مجروحین به‌صورت مستقیم از مراکز درمانی یا نقامتگاه‌های درمانی به همراه پرونده‌هایشان تحویل گرفته و سوار قطار می‌شدند، کارهای درمانی توسط کادر درمانی مستقر در قطار شروع می‌شد. در این واگن‌ها نیز امدادگر، پزشک و پرستار حضور داشتند.

- علی‌رغم این که در زمان جنگ، مسیر قطار دو ریله نبود، ولی با هماهنگی‌های قبلی هیچ وقت قطار بیمارستانی در ایستگاه‌ها منتظر خالی ماندن ریل نمی‌شد و اولویت حرکت، همیشه با قطار بیمارستانی بود.

قطار بیمارستانی جمعیت مسیر طولانی را از اهواز تا مشهد طی می‌کرد. در این مسیر طولانی ایستگاه‌های شهرهای ازنا، اراک، قم، تهران، ساری، نکا و گرگان قرار گرفته بود. با هماهنگی قبلی بیمارستان‌های شهرهای در مسیر بسته به اولویت و شدت مجروحیت و ظرفیت بیمارستان مصدومین را پذیرش می‌کردند. با هماهنگی و اطلاع قبلی قطار در یکی از ایستگاه‌های راه‌آهن توقف نموده و مجروحین به ستاد تخلیه مجروحین مستقر در ایستگاه تحویل و سریعاً توسط آمبولانس به بیمارستان مورد نظر منتقل می‌شدند. در مسیر برگشت به سمت دزفول، باید ۱۲ واگن برای مجروح‌گیری دوباره آماده می‌شدند. تعویض ملافه و پاکسازی کف و حمام و سرویس‌های بهداشتی و تجهیز کیف‌های امداد بر عهده امدادگران بود.

خدمات هوایی و پروازی

استقرار پایگاه امداد هوایی بالگردی جمعیت به هنگام عملیات‌های آفندی در مناطق جنگی و انجام عملیات‌های پروازی با سه فروند بالگرد امدادی برای انتقال مجروحین جنگی به بیمارستان‌های مختلف. این واحد امدادی در طول جنگ ۱۷۶۸ سورتی پرواز به مدت سه هزار و ۴۲۹ ساعت به انجام رساند. در جریان یکی از عملیات‌های انتقال مجروحین بالگرد جمعیت به خلبانی مرحوم مجید عاصم ترابی سقوط کرد و منجر به شهادت این خلبان جمعیت گردید.

خدمات پشت جبهه جمعیت هلال احمر

برخی از این فعالیت‌ها عبارت بودند از:

آموزش همگانی و تخصصی

آموزش‌های جمعیت هلال احمر به منظور توانمندسازی افراد جامعه در واکنش به موقع در مقابله با مخاطرات و با هدف جلوگیری از تلفات جانی و خسارت‌های روحی و مادی گسترده مهمتری طراحی و عملیاتی می‌شوند. در ایام جنگ آموزش‌های جمعیت در دو سطح همگانی و تخصصی برنامه‌ریزی و عملیاتی می‌شدند:

آموزش‌های همگانی در حدی بود که افراد آموزش‌دیده بتوانند در برابر آسیب‌های محیطی، حوادث، سوانح و مخاطرات ناشی از جنگ تا زمان رسیدن نیروهای امدادی به خود، سایر اعضای

جبهه و مناطق جنگی مشارکت داشته است (۷).

- پشتیبانی از مراکز امدادی و درمانی خطوط مقدم جبهه با مداوای مجروحین، انتقال مصدومان، ارسال وسایل و کیف کمک‌های اولیه، دارو، برانکارد و غیره.

- در جریان بمباران شیمیایی جبهه بسیاری از رزمندگان و مردم مناطق جنگی دچار جراحات شیمیایی شدند که این عارضه تاکنون گریبان خیلی از رزمندگان و خانواده‌ها را گرفته و آنان را رها نمی‌کند. جمعیت هلال احمر ایران در این موضوع ورود و در کنار دیگر خدمات بخشی از تجهیزات شیمیایی، کیف و ماسک ضد شیمیایی رزمندگان را تأمین و نقاهتگاه‌های ویژه‌ای را به همین منظور دایر کرد. که یک نمونه از آن راه‌اندازی، تجهیز و اداره نقاهتگاه شیمیایی در سالن ۱۲ هزار نفری استادبوم آزادی بود. به همین منظور جمعیت، بیش از یکصد نفر از کارکنان مرکز و استان‌های مختلف را به دانشگاه امام حسین (ع) معرفی کرد تا دوره‌های تربیت مربی شیمیایی را آموزش ببینند.

پشتیبانی از بیمارستان‌های مراکز درمانی شهرهای درگیر در مناطق جنگی با تأمین و تجهیز لوازم پزشکی و درمانی و اعزام تیم‌های پزشکی و تقویت ترابری اورژانسی؛ در همین خصوص از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۶ بالغ بر ۱۵۸۳۳۵ انواع مختلف دارو و لوازم پزشکی به ارزش ۲۹/۸۱۱/۱۵۱/۶۰۳ ریال به جبهه و مناطق جنگی ارسال و تحویل شده است (۷).

خدمات ریلی و قطاری

این خدمات توسط قطاری که در دهه ۵۰ شمسی و از اتریش به عنوان یک مجموعه جمع و جور امدادی، خریداری شده بود ارائه می‌گردید. این قطار ۶ واگن بیمارستانی داشت و هر واگن، ۲۰ تخت دو طبقه به اضافه اتاق پزشک و پرستار و یک اتاق عمل سرپایی با امکانات جراحی. قطاری که تا سال اول جنگ، کسی به اهمیت آن پی نبرده بود، به همت امدادگران هلال احمر راه اندازی شد.

- واگن‌های قطار بیمارستانی که در اختیار جمعیت هلال احمر بود، سفید رنگ و منقش به آرم جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران بودند. با توجه به نوع عملیات و پیش‌بینی تعداد مجروحین، تعدادی واگن مسافری که از نوع قطارهای اکسپرس خواب بودند، از راه آهن اجاره و به این واگن‌ها متصل می‌شد که در مجموع آن‌ها ۲۰۰ مجروح جا می‌گرفت. هر واگن بیمارستانی متشکل از ۲۰ تخت بود که ۱۰ تخت یک سمت و ۱۰ تخت دیگر سمت دیگر بود و یک راهرو ما بین آن‌ها قرار داشت. هر واگن به عنوان یک بخش نامیده می‌شد و انتهای هر کدام یک اتاق عمل، اتاق پزشک و تجهیزات پزشکی و دارویی قرار داشت.

- نحوه بکارگیری قطار بدین صورت بود که دو الی سه شب قبل از شروع عملیات، بر اساس دستور و هماهنگی‌های نظامی و همچنین درخواست از هلال احمر، این قطار در ایستگاه راه آهن اهواز یا بیراهه‌ای در اهواز، پهلوی می‌گرفت. زمانی که قطار به سمت خوزستان، خالی می‌رفت، راه آهن اجاره‌ای دریافت نمی‌کرد ولی

خدمات اردوگاهی

از همان ابتدای جنگ با تصمیم نخست‌وزیری و وزارت کشور اسکان اضطراری آوارگان جنگ به جمعیت هلال احمر واگذار شد. در این راستا جمعیت اردوگاه‌هایی را به شیوه‌های منظم و نامنظم راه‌اندازی کرد. در این اردوگاه‌ها که از محل اعتبارات جمعیت، جمع‌آوری کمک‌های مردمی و جذب کمک‌های خارجی اداره می‌شد، ده‌ها هزار چادر برزنتی و صدها هزار پتو و دیگر مایحتاج و امکانات زیست‌گرمایشی و مواد غذایی و بهداشتی، پوشاک و نظایر آن توزیع و خدمات مختلفی از جمله امور بهداشتی و درمانی، حمایت روانی تا پایان جنگ و سال‌ها بعد از آن به‌صورت رایگان ارائه گردید (۷). این خدمات بسته به شرایط آوارگان، مناطق جنگی، نوع حملات و اسرای دشمن متنوع و هریک از ویژگی‌های خاص برخوردار بودند که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

ایجاد اردوگاه برای اسکان آوارگان عراقی (معاودین):

چند ماه قبل از آغاز رسمی جنگ اولین افراد و خانواده‌هایی که طعم تلخ جنگ را با آوارگی چشیدند، مردمان ایرانی تباری بودند که از سال‌ها پیش بعضی برای کار و بعضی برای تحصیل علوم دینی و بعضی برای مجاور شدن با حرم اهل بیت به عراق مهاجرت کرده بودند. آنان سالیانی دراز در عراق سکونت و موطن گزیده بودند و بسیاری از آنان در آن سامان متولد و اکنون به جرم ایرانی بودن و بدون هیچ امکاناتی از عراق اخراج و زن و مرد و کوچک و بزرگ در گرمای طاقت فرسای تابستان آواره کوه‌ها و بیابان‌های مرزی شده‌اند. جمعیت هلال احمر در راستای رسالت انسانی خود در شهرهایی که دور از آسیب جنگ بودند از قبیل کردن در اسلام آباد غرب، گیلان غرب و هرسین کرمانشاه، دزلی میروان، شویشه سنج و شهرضی اصفهان با پربایی اردوگاه‌ها و تجهیز آن‌ها به امکانات اولیه زیست و تأمین مایحتاج خوراکی و بهداشتی اقدام به اسکان آوارگان عراقی کرد. این خدمات تا پایان جنگ و حتی سال‌ها بعد از جنگ که امکان بازگشت آوارگان یا پذیرش آنان در داخل کشور فراهم گردید، ادامه داشت.

اسکان اضطراری آوارگان و مهاجرین مناطق جنگی

به شیوه منظم: این شیوه عبارت بود از تمرکز تمامی امکانات و تجهیزات اسکان در نقطه‌ای مشخص به عنوان اردوگاه که تعداد زیادی از آوارگان را می‌شد به صورت یکجا در آن اسکان داد و مدیریت و امر خدمات‌رسانی در آن به سهولت صورت می‌پذیرفت. این شیوه از اسکان اغلب برای آوارگان استان خوزستان به کار گرفته شد. جمعیت در این راستا بدو اردوگاه چادری جیرفت با ظرفیت یکصد هزار نفر و اردوگاه بهبهان با ظرفیت سی هزار نفر که از قبل آماده بود را برای اسکان اضطراری مورد بهره‌برداری قرار داد و به تدریج اردوگاه‌هایی در دیگر نقاط کشور را با ظرفیت‌های مختلف آماده و آوارگان در آن‌ها اسکان داده شدند.

نظر به فرسایشی شدن جنگ ادامه اسکان اضطراری به شیوه فوق امکان‌پذیر نبود، لذا برای خروج از شرایط اضطراری و اسکان

خانواده، دوستان و همسایگان کمک برسانند. این دوره‌ها که در آن گروه‌های مختلف جامعه بر اساس رده سنی و نیازشان در زمینه کمک‌های اولیه و آمادگی در برابر مخاطرات شرکت می‌کردند، با حداقل‌ترین و ضروری‌ترین سرفصل‌های آموزشی در مراکز جوانان، مدارس و پایگاه‌های مردمی مساجد در سراسر کشور ارائه می‌گردید. آموزش‌های تخصصی برای تربیت گروه‌های ماهر امدادی برای مقابله با حوادث و اعزام امدادگر به جبهه، طراحی می‌شدند. این گروه‌ها اغلب از بین اعضای داوطلب جوانان و امدادگران انتخاب و سازماندهی می‌شدند و پس از شرکت در مانورهای محلی، با آمادگی لازم به عنوان نیروی امدادگر در حوادث، جنگ شهرها و جبهه بکارگیری می‌شدند.

تمهیدات لازم برای ارائه هر دو سطح آموزشی عبارت بودند از:

- ایجاد و تجهیز مراکز آموزشی سراسری
- تربیت مربی و کادر مور نیاز آموزشی در دو سطح همگانی و تخصصی

- طراحی و اجرای دوره‌های آموزشی برای مربیان هلال احمر در آموزش و پرورش

- تشکیل کلاس‌های مقدماتی آموزش امداد و کمک‌های اولیه برای جذب دانش‌آموزان امدادگر از طریق سازمان جوانان جمعیت در آموزش و پرورش

- فراخوان نیروی امدادگر برای آموزش، جذب و سپس سازماندهی در گروه‌های تخصصی برای اعزام به جبهه

خدمات ارتوپدی فنی

توانمندسازی مجروحان و جانبازانی که در اثر آسیب‌ها ناشی از جنگ دچار معلولیت شده از طریق ساخت دست و پای مصنوعی و انواع پروتز؛ جمعیت علاوه بر ارائه خدمات توانبخشی جسمی، به این افراد کمک می‌کرد تا نقش فعالی در جامعه ایفا کنند. این کارها شامل تسهیل راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک، ارائه آموزش‌های شغلی و ترویج فعالیت‌های ورزشی می‌شد.

خدمات نقاهتگاهی

برپایی ۱۸۰ نقاهتگاه برای امور درمانی مجروحان در پشت جبهه مناطق جنگی و دیگر مناطق امن‌تر؛ تدارک و تجهیز این نقاهتگاه‌ها به تخت، تشک، پتو، ملحفه و دیگر ملزومات و امکانات دارویی و درمانی و نیز تأمین نیروی امدادگر، پزشک و پرستار توسط جمعیت انجام می‌پذیرفت.

خدمات امدادی پایگاهی

استقرار پایگاه‌های خدمات امدادی در برخی از فرودگاه‌ها و ایستگاه‌های راه‌آهن؛ به‌منظور هماهنگی در ارائه خدمات امدادی جمعیت با عضویت در ستاد انتقال مجروحان جنگ با استقرار پایگاه‌های امدادی در فرودگاه‌ها و ایستگاه‌های راه‌آهن در کنار نیروهای سایر ارگان‌ها با انجام کشیک شبانه‌روزی امدادگران و با آمبولانس‌های مجهز در جابه‌جایی مجروحان و انتقال آنان به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی اقدام می‌کرد.

ایام آوارگی تعدادی اتوبوس خط واحد و مینی‌بوس به منطقه اعزام و برای خدمات حمل و نقل در اختیار جمعیت استان قرار گرفت.

اسکان اضطراری شهروندان مناطق غیرجنگی در

جنگ شهرها: در جریان جنگ شهرها که با بمباران و انفجارهای موشکی همراه بود برخی از مردم برای در امن ماندن از آسیب به طور موقت منازل خود را ترک و در مناطق امن‌تر و حاشیه شهرها و پارک‌ها مستقر می‌شدند. جمعیت در این گونه موقع با برپایی چادر برای اسکان اضطراری مردم و تأمین دیگر مایحتاج و امکانات ضروری به ارائه خدمات می‌پرداخت.

هلال احمر و اردوگاه‌های اسرای عراقی

از همان ابتدای جنگ مسئولیت نگهداری و اداره اسیران عراقی به یگان دژبان ارتش واگذار شده بود. با نظر امام خمینی (ره) مبنی بر تشکیل کمیسیون اداره اسرای جنگی و تصویب آن در شورای عالی دفاع، از تاریخ ۱۳۶۱/۱/۱۳ این کمیسیون به دلایل متعددی همچون داشتن پیشینه سازمانی برای انجام امور اسپرداری برای امر صحه گذاشت و مراقبت از اسرای عراقی را به‌طور رسمی به ارتش جمهوری اسلامی ایران واگذار کرد و این روند به مدت ۲۴ سال و تا آزادی کامل اسرا در پایان سال ۱۳۸۲ ادامه داشت. در این خصوص جمعیت هلال احمر در راستای رسالت انسانی خود در تمام سالیانی که اسیران عراقی در ایران حضور داشتند در کمک به اسکان، تأمین امور رفاهی، درمانی و بهداشتی خدماتی را ارائه می‌کرد. همچنین جمعیت با هماهنگی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تا پایان اسارت کار مبادله نامه و بازدید از کمپ‌ها و اردوگاه‌های نگهداری اسرای عراقی و نیز هماهنگی برای بازدید خانواده‌های آنان در محیطی صمیمی و انسان‌دوستانه را پیگیر و عهده‌دار بود.

جلب مشارکت‌های مردمی برای تأمین بخشی از نیازمندی‌های جنگ

در حالی که به دلیل شرایط جنگی، دولت بخشی از توانمندی‌های خود را از دست داده بود و امکانات موجود پاسخگوی نیازهای گسترده به‌وجود آمده نبود، جمعیت با هدف ادامه دادن به حمایت و کمک‌رسانی مؤثر به قربانیان جنگ با بهره‌مندی از تجارب گذشته خود، با اتخاذ راهبردی جامع به توسعه روابط با مردم، بازار، بخش خصوصی و نهادهای غیردولتی روی آورد. ضمن این که این تصمیم نقشی فزاینده در ترویج اصول بشردوستانه از طریق جلب همکاری و مشارکت دوجانبه بر اساس معیارهای اخلاقی به نیازمندان از جنگ را فراهم می‌آورد، نیز به‌عنوان یک اصل بدیهی چنین مشارکتی موجب تقویت ظرفیت‌های جمعیت برای عملکردی کارآمدتر در کمک‌رسانی گردید. اقدامات و پیامدهای چنین تصمیمی عبارت بود از:

- فراخوان عمومی برای جلب کمک‌های مردمی؛ جمعیت در اجرای این تصمیم برای دریافت کمک‌های نقدی حساب ریالی و ارزی را در بانک ملی افتتاح کرد و همزمان برای دریافت کمک‌های جنسی با برپایی چادرهایی در مناطق شهری و روستایی کمک‌های

موقت با تشکیل بنیاد امور مهاجرین و با تصمیم ستاد امداد جنگ مستقر در نخست‌وزیری مسئولیت مستقیم آوارگان که بعدها به عنوان مهاجرین جنگی از آنان یاد می‌شد به این بنیاد سپرده شد و دیگر اعضای ستاد از جمله جمعیت هلال احمر در حدود وظایف خود موظف به همکاری با این نهاد تازه تأسیس شدند.

این شیوه اسکان مربوط به شهرهای مناطق جنگی بود که در طول ایام جنگ به صورت مداوم و فرسایشی با بمباران هوایی دشمن مواجه بودند و اغلب با زیست دوگانه ناچار بودند قریب شش ماه از سال را به سختی و در زیر چادر و در حاشیه کوهستانی و جنگلی شهرها زندگی نمایند. این شیوه از اسکان اغلب برای آوارگان استان‌های ایلام، بخشی‌هایی از استان‌های کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی که حاضر به ترک منطقه خود نشده بودند، اعمال می‌گردید. نگارنده که خود در ایام جنگ مدیرعامل و مسئول امداد جبهه جمعیت هلال احمر استان ایلام بوده، این شیوه از اسکان را اعمال و تجربه کرده است. شیوه اسکان به این طریق بود که مردم هر منطقه با توجه به بافت فرهنگی، قومی و فامیلی برای در امان ماندن از حملات هوایی دشمن در مناطق کوهستانی و جنگلی که پنهان از دید هواپیماهای دشمن باشد، به صورت نامنظم و غیرمتمرکز پناه می‌گرفتند. در این شیوه مردم با دریافت چادر و امکانات از جمعیت و به اختیار خود محل امنی را پیدا و چادر خود را در آن جا برپا و به صورت پراکنده اسکان می‌یافتند. استان ایلام به دلیل شرایط آب و هوایی و کوهستانی مناسب در بسیاری از اوقات میزبان آوارگان برخی از شهرهای مرزی استان کرمانشاه نظیر قصر شیرین، گیلانغرب، سومار و نیز عده‌ای از مردم آواره برخی شهرهای خوزستان نظیر دزفول، اندیمشک و شوش که به این استان پناه می‌آوردند، بود. در این شیوه به دلیل نامناسب بودن راه‌های دسترسی گاه آوارگان با بیش از پنجاه کیلومتر پراکندگی اسکان می‌یافتند و این امر توزیع امکانات، تجهیزات و خدمات‌رسانی را با سختی مواجه می‌کرد. به همین منظور برای تسهیل در خدمات‌رسانی با تصمیم ستاد امداد جنگ استان محل اسکان آوارگان به چند منطقه تقسیم و برای هر منطقه ستاد خدمات رسانی فرعی با استفاده از امدادگران و نیروهای داوطلب هر منطقه تشکیل و زیر نظر ستاد اصلی پشتیبانی مستقر در جمعیت مرکز استان امور آوارگان اداره گردید. به منظور پیشگیری از قطع جریان خدمات عمومی در ایام آوارگی مقرر گردید کلیه ادارات با استفاده از حداقل امکانات لازم در مناطق اسکان آوارگان و در کنار مردم به ارائه خدمات بپردازند. به همین منظور برای استقرار دستگاه‌ها، ادارات و نیز تشکیل مدارس و استمرار امر آموزش و پرورش در ایام جنگ و آوارگی، جمعیت با تأمین چادرهای گروهی، انجام آبرسانی با تانکرهای ثابت و سیار و دیگر خدمات نقشی اساسی در اجرای این تصمیم بر عهده گرفت. در این خصوص برای تسهیل در دسترسی مردم به خدمات اداری با هماهنگی شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران، وزارت دفاع و جمعیت هلال احمر با نوبت‌بندی مناسب در

کرد. بر اثر حملات موشکی به شهرهای ایران، نزدیک به هشتاد هزار تن مجروح یا کشته شدند. مهمترین هدف عراق از بمباران شهرها تضعیف روحیه مردم ایران، کاهش اراده نیروهای حاضر در جبهه های جنگ، خنثی نمودن عملیات نظامی و جبران شکست ارتش عراق بود تا ضمن بالا بردن هزینه های جنگ، دولت ایران را به مذاکره و پایان دادن به جنگ وادار نماید.

در طی حملات هوایی و موشکی رژیم بعثی عراق که از دهم اسفند سال ۱۳۶۶ شدت بیشتری به خود گرفته بود به جز دیگر شهرهای مرکزی کشور که همزمان مورد تهاجم بودند، فقط در شهر تهران ۶۰ نقطه که اغلب آن ها غیرنظامی و شامل مناطق مسکونی، تجاری، بیمارستانی و درمانی، مدارس و مراکز فرهنگی بود مورد اصابت موشک قرار گرفت. در این حملات ددمنشانه و غیرانسانی شهرها و به ویژه تهران حالت جنگی به خود گرفته بود و بسیاری از هموطنان و شهروندان به خاک و خون کشیده شدند. در طول شبانه روز مردم با شنیدن صدای آژیر قرمز از منازل و محل کار خود بیرون زده و سراسیمه به دنبال پناهگاه می گشتند. در یک چنین وضعیت بحرانی و متأثر کننده ای جمعیت در هماهنگی لازم با کمیته امداد و نجات مستقر در نخست وزیری با بهره مندی از تمام امکانات و نیروی انسانی و پوشش سیستم ارتباطات رادیویی وسیع در سطح کشور (۷)، خدمات قابل توجهی را به مردم و شهروندان ارائه کرد، شامل:

- نجات شمار زیادی از مجروحان و مصدومین از زیر آوار و انتقال آنان به مراکز درمانی

- امدادرسانی به شهروندانی که منازلشان آسیب دیده بود با تأمین مایحتاج اولیه آنان نظیر: پتو، زیرانداز، چراغ والر و دیگر اقلام زیستی اولیه

- ایجاد نگاهتگاه های اضطراری برای مصدومین ناشی از این حملات

- اسکان اضطراری و تأمین و تدارک اقلام زیستی برای برخی از شهروندان در مناطق امن تر و حاشیه شهرها و پارک ها، که برای درمان مانند از آسیب حملات موشکی بیشتر شب ها منازل خود را ترک می کردند

- فعالیت های آموزشی و حمایت های روانی از طریق آشنایی مردم با اصول کمک های اولیه و توصیه های ایمنی قابل اجرا در قبل و حین حملات دشمن

بازسازی مراکز درمانی آسیب دیده از جنگ

یکی از فعالیت های کمتر مورد توجه قرار گرفته جمعیت در ایام جنگ، بازسازی مراکز درمانی آسیب دیده از جنگ در مناطق جنگی بود. از آنجاکه در قبل از انقلاب جمعیت در اداره و ساخت مراکز بیمارستانی و درمانی از تجارب ارزنده ای برخوردار بود و در ایام جنگ بخشی از کمک های مردمی و خارجی به جنگ در اختیار جمعیت قرار می گرفت بر همین اساس در ستاد امداد و درمان جنگ توافق شده بود که مراکز درمانی آسیب دیده از جنگ در مناطق

مردمی شامل غذا، وسایل گرمایشی و سرمایشی، پوشاک و بهداشت را جمع آوری و سپس با تفکیک و بسته بندی آن ها حسب نیاز و مناسبت برای آوارگان و یا رزمندگان به صورت کاروانی یا جداگانه به مناطق جنگی ارسال می کرد.

- جلب مشارکت کشاورزان، باغداران و دامداران، در این خصوص جمعیت با جلب مشارکت جامعه کشاورزی بخش وسیعی از نیازهای خوراکی مانند گندم، خرما، چای خشک، انواع حبوبات، سیب زمینی، پیاز، انواع میوه و سبزیجات فصلی، خربزه، هندوانه و ... را جذب و به صورت رایگان برای مصرف رزمندگان و آوارگان ارسال می نمود.

جلب مشارکت صنعتگران، مشاغل آزاد و بازار؛ ارتباط جمعیت با واحدهای مختلف بخش خصوصی در حوزه های صنعتی، شرکت های تجاری و بازرگانی، پایانه ها، اقشار و اصناف بازار موجب تأمین بسیار از نیازهای ضروری جنگ گردید، نظیر: تهیه انواع آمبولانس، تجهیزات پزشکی و دارویی، کانکس برای سرپناه موقت یا امور اداری، کانتینرهای فلزی برای نقل و انتقال و یا نگهداری مواد غذایی، سردخانه های ثابت و سیار، تانکرهای آب ثابت و سیار برای ذخیره آب و آبرسانی اردوگاه ها، کامیون، کامیونت، وانت برای انتقال کمک ها، اتوبوس و مینی بوس برای نقل و انتقال آوارگان و رزمندگان، پتو، پوشاک و مواد غذایی، انواع نان های خشک صنعتی، نیروی انسانی داوطلب برای امدادگری، رانندگی، تأسیساتی، مکانیک و تعمیرکار خودرو و دیگر نیازها. نگارنده این مقاله خود با هماهنگی نماینده ولی فقیه در جمعیت برای جذب کمک های بازاریان تهران در جلسات متعددی که با آنان داشت فهرست نیازمندی ها را به ایشان اعلام می کرد و پس از هر نوبت درخواست و هماهنگی متعاقب آن ده ها کامیون از کمک های بازاریان تهران به جبهه ارسال می گردید.

خدمات امدادی جمعیت در جنگ شهرها

بمباران شهرها و تشدید آن در سال پایانی جنگ در اواخر ۱۳۶۶ ش و اوایل ۱۳۶۷ ش با تجاوز آشکار عراق در حمله به مناطق مسکونی و به اصطلاح جنگ شهرها همراه بود. افزایش توان نظامی عراق و کاهش توان اقتصادی و نظامی ایران شکاف عمیقی میان توانمندی های نظامی و اهداف سیاسی کشور ایجاد کرده بود. حضور نظامی امریکا در منطقه و همرویی (Escorte) نفتکش های عراقی، باعث افزایش قدرت نظامی این کشور می شد. جنگ شهرها در اسفند ۱۳۶۶ با بمباران دوباره تهران شروع شد و تا ۱۱ فروردین ۱۳۶۷ ادامه داشت. در این مرحله، عراق از موشک های دوربرد ساخت شوروی استفاده کرد، که با سفر نخست وزیر ترکیه به دو کشور متوقف گردید، ولی به فاصله چند روز، مرحله پایانی جنگ شهرها در ۲۱ فروردین ۱۳۶۷، از طرف عراق آغاز شد و در اول اردیبهشت ۱۳۶۷ بعد از سقوط فاو، پایان یافت. در این مدت، عراق بین ۱۹۰ تا ۲۰۰ موشک به شهرهای ایران و جمهوری اسلامی ایران نیز نزدیک به پنجاه فروند موشک به شهرهای عراق شلیک

در جمعیت تشکیل و در طول جنگ و بعد از آن فعالیت‌هایی را به شرح زیر به انجام رساند.

پیگیری استرداد و مبادله اسرا: از جمله وظایف اداره امور اسرا و مفقودین جمعیت پیگیری استرداد اسرای مجروح ایرانی از اردوگاه‌های عراق به ایران طی مراحل مختلف بود. با پیگیری‌های این اداره و با هماهنگی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در میانه سال‌های جنگ تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل از سوی ایران حدود ۹۰۰ اسیر معلول و مجروح قبل از آزادی انبوه، آزاد و یا با اسرای عراقی مبادله شدند. به دلیل کارشکنی رژیم عراق در اجرای کامل قطعنامه دو سال طول کشید تا بند سوم آن یعنی مبادله اسرا به صورت انبوه اجرایی شود. در طی این مدت کمیته پیگیری اسرا در مذاکرات دائمی سه جانبه با کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و جمعیت هلال احمر عراق فرایند مبادله فراگیر اسرای دو طرف را تعقیب کرده تا نهایتاً در ۲۶ مرداد ۱۳۶۹ فرایند مبادله آغاز و روزانه با ورود هزاران نفر از آزادگان به میهن و استقبال مردم و خانواده‌هایشان موجی از شغف و شادی سراسر کشور را فراگرفت.

نظارت بر مبادله اسرا: جمعیت به همراه نمایندگان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در طی تمامی مراحل مبادله اسرا به عنوان عضو ناظر حضور فعال داشت. به‌ویژه در طی فرایند مبادله انبوه، نمایندگان جمعیت قریب به یک ماه در مبادی مرزی استقرار یافته و ضمن تشکیل پرونده برای تک تک افرادی که مبادله و یا آزاد می‌شدند، بر روند کار نظارت کامل را اعمال می‌داشتند.

مبادله پیام اسرا: فرایند مبادله پیام به این نحو بود که نمایندگان کمیته صلیب سرخ در بازدید از کمپ‌ها و اردوگاه‌های اسرای ایرانی در عراق فرم‌های مخصوص صلیب سرخ را در اختیار اسرا گذاشته و پس از آن که اسرا پیام‌های خود را در برگه‌ها می‌نوشتند صلیب سرخ آن‌ها را از طریق نمایندگی خود مستقر در تهران، به جمعیت هلال احمر ایران ارسال می‌کرد تا به دست خانواده‌های اسرا برسد. متقابلاً جمعیت پاسخ خانواده‌های اسرا را دریافت و از طریق نمایندگی کمیته مذکور برای اسرا ارسال می‌کرد. در واقع اسرا از نمایندگان دو کارت دریافت می‌کردند. صلیب سرخ در هر بازدید تعدادی برگ مخصوص نامه به اسرا می‌داد؛ یکی سفید که به خانواده‌هایشان نامه بنویسند. این نامه‌ها توسط سانسورچی‌های عراقی سانسور و یا مطالبی به آن‌ها افزوده می‌شد و دیگری برگی به رنگ آبی بود که فقط شامل امضای خانواده‌ها می‌شد و از زیر دست سانسورچی رد و زودتر به دست اسرا می‌رسید. در طول جنگ تحمیلی و دو سال بعد از جنگ تا بازگشت قطعی اسرا حدود ۶ میلیون پیام خانوادگی بین اسرای ایرانی و خانواده‌های آن‌ها رد و بدل شد (۸).

درمان اسرا بعد از آزادی: خیلی از اسرا به هنگام اسارت با مجروحیت همراه بودند و به دلیل عدم رسیدگی مناسب جراحات آنان کهنه و عود کرده بود و یا برخی در ایام اسارت تحت شکنجه آسیب دیده و به درمان نیاز داشتند. جمعیت در این خصوص بعد از

جنگی توسط جمعیت هلال احمر بازسازی شود. بر همین مبنا بسیاری از مراکز آسیب‌دیده که اغلب آن‌ها تخریب شده بودند با طرح و نقشه جدید احداث، بازسازی و یا تعمیرات اساسی می‌شدند و پس از اتمام کار در اختیار وزارت بهداشت و درمان مناطق جنگی قرار می‌گرفت.

ابعاد بین‌المللی عملکرد جمعیت هلال احمر در جنگ

امور اسرا و مفقودین ایرانی جنگ

جنگ هشت ساله ایران و عراق مانند سایر جنگ‌ها دارای اجزای متعددی بود. یکی از اصلی‌ترین و جزء اجتناب‌ناپذیر بعد مهم و انسانی آن، اسیران و مفقودان جنگ بود، که در مناطق درگیری و عملیات پدافندی و آفندی به اسارت درمی‌آمده و یا مفقود می‌شدند. نیروهای عراقی در عملیات‌های مختلف خود به‌ویژه در تهاجم اولیه به ایران، ضمن آزار و اذیت ساکنان مناطق اشغالی به رغم اصول پذیرفته شده در کنواسیون‌های ژنو و قراردادهای بین‌المللی، عده‌ای از اهالی مناطق اشغالی از جمله افراد پیر، اعم از مرد و زن و کودکان را به همراه جمعی از نیروهای ایرانی به اسارت گرفته و به خاک خود منتقل کردند. در این میان عده‌ای هم مفقود شده و عراق هیچ گونه اطلاعاتی را در مورد آن‌ها ارائه نمی‌کرد. در این خصوص به‌منظور شناسایی، برقراری مجدد تماس، بازپیوند اعضای خانواده و روشن کردن سرنوشت کسانی که مفقود شده‌اند و آزادی و مبادله اسرا، جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی اولین سازمانی بود که در جمهوری اسلامی ایران امور مربوط به اسرا و مفقودان را عهده‌دار شد. جمعیت از طریق کمیته بین‌المللی صلیب سرخ توانست به اطلاعاتی از کمپ‌ها و اردوگاه‌های اسرای ایرانی در عراق و فهرستی از اسرای مورد نظر دست یافته و بدین ترتیب امکان بازدید، گفتگوی آزاد و خصوصی با آنان فراهم شود. تجزیه و تحلیل اطلاعاتی که بدین ترتیب جمع‌آوری شد به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ امکان داد تا خطرات اصلی که متوجه اسرا است و نیز دیگر عوامل مؤثر در شرایط آن‌ها را شناسایی کند. نظیر ممانعت از مفقود و ناپدید شدن افراد و حل و فصل این مشکل و بهبود شرایط اسارت (به‌طور مثال از لحاظ غذا، آب و خدمات درمانی)؛ برقراری ارتباط و حفظ تماس‌های خانوادگی و رعایت قوانین حمایتی.

با افزایش تعداد اسرا و مفقودان و به منظور ایجاد هماهنگی لازم بین ارگان‌ها، شورای عالی دفاع به پیشنهاد جمعیت هلال احمر ایران در تاریخ ۱۳۶۲/۷/۱۸ برای رسیدگی به امور اسرا و مفقودان و شهدای ایرانی و خانواده‌های آنان به تشکیل کمیته اجرایی مفقودان و اسرا با عضویت نمایندگان نخست‌وزیری، ارتش، سپاه، هلال احمر، ستاد تبلیغات جنگ و بنیاد شهید اقدام نمود و به‌صورت رسمی مسئولیت این کمیته را به جمعیت هلال احمر (اداره کل امور بین‌الملل) سپرد. این اقدام در واقع تأیید و تأکیدی بود بر آنچه که جمعیت در هماهنگی و همکاری با کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به آن پرداخته بود و لذا برای این منظور به‌طور ویژه اداره اسرا و جست‌وجوی مفقودان زیر نظر اداره کل امور بین‌الملل

کارت اسارت توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برای آنان صادر و به جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران فرستاده می‌شد. جمعیت پس از دریافت اطلاعات بی‌وقفه پاسخ‌ها را به خانواده‌ها و سازمان‌های مربوطه اعلام و کارت‌های صادره را به دست خانواده‌های اسرا می‌رساند.

جمعیت هلال احمر برای جمع‌آوری و دریافت اطلاعات مفقودان ایران از روش‌های مختلفی استفاده می‌نمود. از جمله رصد کردن رادیو و تلویزیون عراق و ضبط برنامه‌های مربوط به اسیران، اگر در یک فیلم صد اسیر ایرانی دیده می‌شد، صد عدد از آن فیلم تکثیر و برای هر کدام یک پرونده تشکیل داده می‌شد و از آن تاریخ این سابقه، مدرکی بود دال بر این که آن فرد در عراق اسیر است. همچنین، مصاحبه‌هایی که عراقی‌ها با اسیران ایرانی انجام می‌داده‌اند و نیز کسب اخبار از اسیران آزاد شده ایرانی که اطلاعاتی در مورد سایر اسرا در عراق داشتند، این اطلاعات ثبت می‌شد و نشان می‌داد که چه افرادی در اردوگاه‌ها اسیر بوده و توسط عراق به مقامات صلیب سرخ اعلام نشده‌اند؛ در مذاکرات مربوط به تبادل اسرا و آزادگان، این مدارک خیلی مفید و مؤثر واقع شده بود.

جست وجوی مفقودین جنگ: هم اکنون سرنوشت هزاران

نفر که در ارتباط با جنگ عراق با ایران در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ ناپدید شده‌اند، همچنان در ابهام است. پی‌یر ریتز، رییس نمایندگی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در ایران در سال ۱۳۹۸ از قول مقامات کشور ایران تعداد مفقودان ایران را ۱۱ هزار و ۶۹۷ نفر اعلام کرده‌اند، که از این تعداد هفت هزار مفقود ایرانی در خاک عراق و بقیه در خاک ایران و نقاط دیگر هستند. در آمار دیگری که بنیاد شهید انقلاب اسلامی درباره تعداد شهیدان و مفقودان جنگ تحمیلی منتشر کرده است، تعداد مفقودان را ۱۰۱۰۹ نفر اعلام می‌کند (۹).

از زمان پایان جنگ هشت ساله، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به عنوان تسهیل‌گر و میانجی بی‌طرف در ساز و کار ایجاد شده بین دولت‌های عراق و ایران نقش داشته است تا به روشن شدن سرنوشت کسانی که در طول جنگ مفقود شده‌اند، کمک کند. این سازمان ریاست نشست‌های منظمی را بین دو طرف به عهده دارد تا مشوق گفت‌وگوی آنان باشد. در این نشست‌ها که در سطح بلندپایه و کاری میان دو کشور برگزار می‌شود، به مسائل فنی مربوط به عملیات حفاری و لجستیک پرداخته می‌شود تا توافق لازم برای ادامه کار و پیشبرد آن به عمل آید. هدف از کل این روند یافتن خبری برای خانواده‌های چشم انتظار است. بنابراین، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برای تعیین هویت مفقودان و کشته‌شدگان که به اندازه تفحص اهمیت دارد، تخصص و توصیه‌های فنی لازم و کاربرد روش‌های شناسایی مولکولی را ارائه می‌دهد. این کمیته نیز دانش خود در زمینه پزشکی قانونی را در اختیار هر دو طرف قرار داده و پشتیبانی فنی می‌دهد. علاوه بر این، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ گاهی نیز حمایت مادی خود را، در شکل فراهم کردن تجهیزات ارائه می‌دهد تا در عملیات میدانی برای حفاری به کار رفته و کار

آزادی امور درمان آنان را انجام و همچنین درخواست گواهی پزشکی آزادگان از کمیته بین‌المللی صلیب سرخ را پیگیری و به آنان ارائه می‌کرد.

رسیدگی به خانواده اسرا: جمعیت هلال احمر چه در

زمان اسارت و چه بعد از آزادی ضمن تجلیل از آنان به مناسبت‌های مختلف به خانواده‌هایشان کمک‌های بلاعوض می‌کرد و به آنان سبد کالا تحویل می‌داد. دریافت گواهی‌های شهادت، وکالتنامه اسرا از کمیته صلیب سرخ و تحویل آن‌ها به خانواده‌هایشان، ارسال کتب گوناگون (کتب درسی، علمی، تاریخی، فرهنگ لغت و نظایر آن) از طریق کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برای اسرا، ارسال عینک بنا به درخواست اسرا بخشی دیگر از کارهای بود که جمعیت به انجام می‌رسانید.

ارائه معرفی‌نامه اسارت: یکی از فعالیت‌های هلال احمر

بعد از بازگشت اسرا ارائه گواهی دوران اسارت به آزادگان برای تشکیل پرونده در سازمان‌های مرتبط بود. جمعیت هنوز هم پاسخگوی استعلام سازمان‌های مرتبط با جنگ در خصوص اسرای شهید، مفقودان و آزادگان است.

عضویت جمعیت در کمیته استقبال از اسرا: مردم

ایران اسلامی در ۲۶ مرداد ۱۳۶۹ پس از سال‌ها انتظار شاهد بازگشت اولین گروه از اسرا و آزادگان به وطن بودند، طبیعی است این بازگشت عزتمندانه بعد از تحمل سختی و رنج اسرا در زندان‌ها و اسارت‌گاه‌های رژیم بعثی عراق و با قدم نهادن به خاک پاک وطن همراه با موجی از شعف و شادی باشد. مسئولین برای مدیریت چنین امری که اکنون به یکی از روزهای تاریخ این دیار کهن تبدیل شده است، اقدام به تشکیل کمیته استقبال از اسرا کردند. جمعیت با انجام تدارکات و ایجاد پایگاه‌هایی برای این منظور با دعوت از خانواده‌های آزادگان و مردم نقش بسزایی را در برپایی این شور و شعف بر عهده داشت.

جستجوی مفقودین: از ابتدا تا پایان جنگ حدود ۷۸۰۰۰

هزار پرونده توسط جمعیت برای مفقودان جنگ تشکیل و از طریق کمیته بین‌المللی صلیب سرخ پیگیری شد (۶). از همان روزهای نخست جنگ تحمیلی، خانواده‌های زیادی که از عزیزان خود بی‌خبر بودند برای پیگیری سرنوشت آنان به جمعیت هلال احمر مراجعه می‌کردند. در اداره امور اسرا و مفقودین جمعیت پس از مصاحبه با خانواده‌های مراجعه کننده و نیز بر پایه شواهد دیگری که موجود بود برای فرد مفقود پرونده تشکیل می‌شد. اطلاعات جمع‌آوری شده به زبان انگلیسی به فرم‌های جست وجوی مفقودان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ منتقل و سپس از طریق دفتر نمایندگی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تهران به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در ژنو ارسال تا بر اساس این اطلاعات مقامات صلیب سرخ چگونگی وضعیت مفقودان را از مقامات عراقی درخواست کنند. اگر افرادی در اردوگاه اسرا در عراق مورد بازدید و ثبت‌نام نمایندگان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ قرار می‌گرفتند

می‌رساند. یکی دیگر از اقدامات جمعیت هماهنگی برای اعزام مجروحین جنگی و به‌ویژه مصدومین شیمیایی به دیگر کشورها بود که در داخل امکان درمان آنان فراهم نبود. در این رابطه بسیاری از مصدومین شیمیایی مورد معالجه قرار گرفتند.

مقابله با مشکل مین و بقایای قابل انفجار جنگی

آلودگی تسلیحاتی پس از پایان درگیری، مثل مین و «بقایای قابل انفجار جنگی» مانند بمب‌ها، گلوله‌ها و بمب‌های خوشه‌ای عمل نکرده، کماکان به کشتار و نقص عضو مردم ادامه می‌دهند. این مشکل همچنین جلوی ارایه خدمات امدادی را نیز گرفته و مردم را از کمک‌های بشردوستانه محروم و بر شدت مشکلات می‌افزاید. کاری که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از طریق جمعیت‌های ملی برای پیشگیری از حوادث و کاهش آثار آلودگی تسلیحاتی انجام می‌دهد، بسته به شرایط شامل ترکیبی است از: جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات، کاهش خطر، آموزش خطر و بررسی و پاکسازی منطقه آلوده.

در همین خصوص جمعیت هلال احمر ایران در ارتباط با کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بلافاصله پس از پایان بمباران‌های شهری و عملیات‌های جنگی به‌طور مستقیم به موضوع ورود می‌نمود و با هماهنگی دیگر سازمان‌ها با اعزام تیم‌های پاکسازی به‌عنوان بخشی از طرح واکنش سریع کار خود را آغاز می‌کرد. گروه‌های پاکسازی، کار تجزیه و تحلیل فنی و ارزیابی نیازها را انجام داده و بقایای قابل انفجار را از مناطق آلوده پاکسازی و سپس نابود می‌کردند. این گروه‌ها در مواردی که به فوریت امکان پاکسازی منطقه آلوده وجود نداشت، مناطق خطرناک را نشانه‌گذاری کرده و به مردم هشدار می‌دادند که وارد این مناطق نشوند (نگارنده خود در موارد متعددی به عنوان نماینده جمعیت در کنار گروه‌های تخصصی در پاکسازی برخی از مناطق آلوده حضور داشته است).

در این خصوص در کوتاه مدت، جمعیت به عنوان شریک عملیاتی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در کنار دیگر سازمان‌ها اطلاعات را به طور منظم جمع‌آوری می‌کرد. اما در بلند مدت و پس از پایان جنگ، جمع‌آوری اطلاعات مناطق آلوده به عنوان بخشی از راهبرد کلان ملی برای مقابله با خطر مین در کل توسط دولت انجام می‌شود.

جمعیت و پزشکی قانونی در دوران پس از جنگ

هنگامی که مردم در جریان بلایا یا جنگ‌ها، یا مهاجرت، جان خود را از دست می‌دهند، باید با اجساد آنان با احترام رفتار شده و کرامتشان رعایت گردد. بنابراین ضرورت دارد تا بقایای افراد مورد جستجو قرار گرفته، بازیابی و شناسایی شوند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در جستجو، بازیابی، تحلیل، شناسایی و مدیریت شمار زیاد بقایای شناسایی نشده انسانی در مراحل مختلف نگهداری، به مقامات محلی و مسئولین پزشکی قانونی مربوطه مشاوره و آموزش داده و از آن‌ها حمایت می‌کند. حتی در مواقعی که امکانات پزشکی قانونی بسیار پیشرفته باشد، انجام چنین کارهایی از توان مقامات

گروه‌های میدانی را تسهیل کند و در نهایت، عملیات تحویل بقایای انسانی تحت نظارت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در مناطق مرزی مختلف بین ایران و عراق انجام می‌شود.

دیپلماسی بشردوستانه جمعیت در پیگیری نقض معاهدات بین‌المللی توسط رژیم عراق

رژیم بعثی حاکم بر عراق در طول جنگ مدارس، مناطق مسکونی، درمانی و بیمارستانی، مراکز فرهنگی و آثار باستانی و دیگر اهداف غیرنظامی را مورد حمله قرار داد و به کرات و با خشونت تمام به نقض معاهدات بین‌المللی شامل کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ و حقوق بین‌المللی بشر دوستانه پرداخت. تمامی دولت‌ها این کنوانسیون‌ها را پذیرفته‌اند و بنابراین مقید به تعهدات موجود در آن‌ها می‌باشند. به‌علاوه این رژیم بر خلاف مفاد معاهدات و دیگر اسناد مربوطه، که ممنوعیت یا تحدید استفاده از سلاح‌های خاص همچون مین‌های ضد نفر، سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک، مهمات خوشه‌ای، تا ممنوعیت تاکتیک‌های رزمی خاص را پوشش می‌دهند، کمترین اهمیتی به این معاهدات نداشته و در ایام جنگ بارها از هر نوع سلاح ممنوعه به‌ویژه سلاح‌های شیمیایی و مهمات خوشه‌ای بر علیه نظامیان و غیرنظامیان، مناطق مسکونی ایران و حتی مردم بی‌دفاع خود در شمال عراق بهره برد.

جمعیت هلال احمر ایران براساس تعهدات انسان دوستانه خود، اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و مقید کردن عراق به اجرای تعهدات از طریق صلیب سرخ و دیگر مجامع بین‌المللی به انعکاس و پیگیری جنایات این رژیم اقدام نمود. جمعیت در این راستا با دعوت از مجامع بین‌المللی برای سفر به ایران و بازدید از مناطق آسیب دیده، از آنان خواست تا از نزدیک شاهد آثار این جنایات و نقض مکرر تعهدات بین‌المللی باشند. این اقدامات و پیگیری‌ها توسط جمعیت به فراهم آوردن بخشی از مستندات برای مجامع بین‌المللی کمک کرد که در نهایت توانست در خلال مذاکرات برای تدوین قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل و محکومیت عراق مؤثر واقع گردد.

تأمین بخشی از نیازمندی‌های جنگ از طریق جذب کمک‌های خارجی

بنابر رسالت ذاتی و جایگاه بین‌المللی جمعیت و ارتباطات وسیع با مجامع جهانی و به‌ویژه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ جمعیت برای تأمین پایدار و عزتمند بخشی از نیازهای ضروری بهداشتی، درمانی و اقتصادی زمان جنگ که در ایران با کمبود شدید مواجه بود، پیگیری‌های مستمری را در دستور کار خود داشت، که در نتیجه آن بخش زیادی از دارو، تجهیزات پزشکی و درمانی، آمبولانس و دیگر امکانات ضروری از این طریق تأمین و وارد کشور می‌گردید. همچنین جمعیت با جلب و جذب هدایا و کمک‌های دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی، خیرین دیگر کشورها، جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر و نیز ایرانیان خارج از کشور برخی از نیازهای آسیب‌دیدگان جنگ را جمع‌آوری و به دست آسیب‌دیدگان

مدیریت بحران جنگ و ادارهٔ پیامدهای آن بهره مند شوند. این نوع آشفته‌گی برای جمعیت هلال احمر به دلیل سوء تفاهم و کم مهری‌های ناشی از تغییرات وسیع به وجود آمده در ساختار، ماهیت و وظایف جمعیت خیلی بیشتر از آنچه بود که در بخش‌ها و دیگر دستگاه‌ها رخ داده بود. در بدو پیروزی انقلاب اسلامی بسیاری از توانمندی‌های جمعیت تحلیل رفته بود و همین امر چالش‌ها و افت و خیزهای فراوانی را به خصوص در ابتدای جنگ بر جمعیت تحمیل نمود. براساس مصوبهٔ دولت موقت، در اسفند ماه سال ۱۳۵۷، کلیه موسسات درمانی و بهداشتی (شامل ۲۲۴ بیمارستان، ۱۷۳ درمانگاه مستقل و مرکز اورژانس، ۷۷ اندرزگاه، ۱۵ مرکز مستقل انتقال خون و ۳۰ مرکز آموزش پرستاری، مامایی، بهیاری و پزشکی به همراه چندین پرورشگاه و خانه کودک) از جمعیت منتزع و با حفظ مالکیت جمعیت به وزارت بهداشتی و بهزیستی وقت منتقل گردید. این مصوبه باعث شد تا سیاست‌های کلی جمعیت نیز تغییر یافته و کلیه فعالیت‌های درمانی - حمایتی آن متوقف گردد. همچنین برابر چند مصوبه دیگر هیأت دولت موقت، مراکز مختلف پژوهشی - حمایتی جمعیت از جمله جمعیت مبارزه با سرطان و سازمان انتقال خون جملگی به وزارت بهداشتی و بهزیستی واگذار گردیدند و برخی از امکانات ترابری هوایی و دریایی جمعیت، از جمله هواپیماهای آن به سایر نهادها واگذار شد. تشابه ظاهری نشان جمعیت با آرم شاهنشاهی و تصور عمومی مبنی بر وابستگی جمعیت به رژیم سابق در سال‌های آغازین انقلاب، باعث شد بسیاری از اموال و املاک آن (حتی برخی از املاک وقفی) توسط نهادهای انقلاب تصرف گردد. این در حالی است که در اولین اساسنامهٔ جمعیت بعد از انقلاب، در سال ۱۳۵۹، امور مربوط به تربیت کادر پیراپزشکی و انتقال خون، همچنان در حوزهٔ فعالیت جمعیت قرار داشت ولی بعدها همین فعالیت‌ها نیز از جمعیت سلب و اکثر پرورشگاه‌ها و شیرخوارگاه‌ها به سایر سازمان‌ها واگذار شد (۱۰).

در واقع جنگ عراق با ایران، برای جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران نقطهٔ عطفی بود که بتواند در جایگاه نهاد هماهنگ‌کنندهٔ بین‌المللی و میانجی بی‌طرف و در سطح ملی به‌عنوان یک پشتیبان در جنگ بسیج عمومی گسترده‌ای به راه اندازد. جمعیت با تمام توان در یک جنگ فرسایشی و طاقت‌فرسا با پابندی به دو اصل از اصول بنیادین خود یعنی بی‌غرضی و بی‌طرفی، به‌طور مستقل به حمایت و حفاظت از جان و کرامت قربانیان جنگ و کمک‌رسانی به آنان پرداخت و مأموریت بشردوستانهٔ خود را به احسن وجه به انجام رساند.

جمعیت هلال احمر در بُعد داخلی با اقدامات خود به عنوان نیروی کمکی مستقل از دولت، با گسیل و حرکت نیروهای داوطلب در تخصص‌های مختلف و امدادگران آموزش دیده، تجهیزات و آمبولانس‌ها به میادین کارزار و مناطق عملیاتی و جابجایی منابع امدادی در مناطق جنگی به انتقال مصدومان و قربانیان طرف‌های درگیر کمک‌رسانی و از آنان حمایت کرد و به درمان و حمایت از

محلی و مسئولین پزشکی قانونی به تنهایی خارج است.

در اواخر سال ۲۰۰۵ میلادی، نمایندگی کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ در تهران، حمایت از روند تعیین هویت بقایای انسانی جنگ ایران و عراق را آغاز کرد. این امر در ابتدا با برخی ارزیابی‌ها در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ شروع شد. در نتیجهٔ این ارزیابی‌ها، در سال ۲۰۰۸ طرح ظرفیت‌سازی برای تعیین هویت انسانی توسط پزشکی قانونی برای اعضای گروه‌های بازپایی و شناسایی بقایای انسانی راه‌اندازی شد. علاوه بر این، سند حمایت در زمینهٔ تجهیزات شناسایی مولکولی در ژانویهٔ ۲۰۰۹ برای پشتیبانی از مرکز تحقیقات ژنتیک کوثر و سازمان پزشکی قانونی ایران به امضا رسید تا شناسایی علمی بقایای انسانی بر جای مانده از جنگ تضمین و هویت دقیق بقایای انسانی تعیین شود تا به خانواده‌های شهدای مفقود بازگردانده شوند. به‌عنوان بخشی از مسایل مربوط به حل و فصل پرونده‌های سربازان مفقود از جنگ ایران و عراق، واحد خدمات پزشکی قانونی کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ بر اساس تعهد بشردوستانهٔ خود در زمینهٔ پزشکی قانونی تا به امروز به حمایت از ظرفیت‌های فنی پزشکی قانونی در هر کجا که لازم بوده، ادامه داده است.

بحث و نتیجه‌گیری

از عملکرد و نقش جمعیت هلال احمر ایران در جریان جنگ عراق با ایران، به‌عنوان یکی از درخشان‌ترین دوران خدمات رسانی امدادی و درمانی به طرفین جنگ، رزمندگان و هموطنان جنگ‌زده یاد می‌شود.

پاسخگویی به آسیب‌های جنگ و واکنش بهنگام بدین پدیده و هماهنگی تمامی خدمات به منظور کاستن از میزان مرگ و میر و هدر رفتن نیروی انسانی و مادی، هنگامی منتج به اثرات سازنده می‌شود که تمامی ساختارها و فرایندهای سازمان‌ها و دستگاه‌های مرتبطی که درگیر جنگ و مقابله با صدمات و آسیب‌های آن هستند، از آمادگی لازم برخوردار و به لحاظ علمی و عملی از استراتژی‌های جامعی پیروی نمایند. اساساً بدون تفکر و برنامه‌ریزی استراتژیک و بهره‌مندی از تجارب و دانش مدیریت بحران نمی‌توان فرایندهای مرتبط را به بهترین وجه اداره و شاهد دستاوردهای ارزنده‌ای بود.

اما همهٔ شواهد گواهی می‌دهد که با پیروزی انقلاب اسلامی و اندکی پس از آن با آغاز جنگ اوضاع آشفته‌ای بر ایران حاکم شده بود. غافلگیری ارتش و نیروها مرزی در آغاز جنگ و ناتوانی در جلوگیری از اشغال بخش‌هایی از خاک ایران و حتی فروپاشی جبهه ایران در چند ماه پایانی جنگ در حالی که تمامی دست اندرکاران مربوطه تجربه هشت سال جنگ را پشت سر داشتند، بیانگر آنست که کمتر فرصتی برای مدیران و مسئولین جنگ و همچنین بخش بهداشت و درمان و امداد و نجات فراهم آمد تا از تفکر و مدیریت استراتژیک برای پیشرفت و پشبرد امور و حتی

جنگی بازدید و به آنان یاری رساند و به تبادل میلیون‌ها پیام صلیب سرخ بین اعضای خانواده‌ها کمک نماید و کسانی را که در زمان درگیری مسلحانه مفقود شده‌اند جستجو نماید و حتی تا سال‌ها پس از جنگ هم به درخواست‌های دریافت شده در مورد عزیزان مفقود خانواده‌ها رسیدگی کند.

از تلاش‌ها و فعالیت‌های جمعیت هلال احمر ایران در راستای جایگاه مهمی که در طی هشت سال جنگ و پس از آن برعهده داشت، به عنوان حضوری مؤثر و نقش آفرین یاد می‌شود. خدماتی که متأسفانه کمتر ثبت، ضبط و مستند شده است.

تضاد منافع: بدین وسیله نویسندگان تصریح می‌نمایند که هیچ‌گونه تضاد منافی در مطالعه حاضر وجود ندارد.

مجروحان در خط مقدم پرداخت و در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی از آنان مراقبت نمود.

جمعیت با ایجاد اردوگاه برای اسکان آوارگان عراقی و مهاجرین و آوارگان داخلی به آنان رسیدگی و نیازهای ضروری و اولیه را نظیر اسکان اضطراری و سرپناه موقت، مواد غذایی، مایحتاج بهداشتی و داروی فراهم و با استفاده از دانش و تجارب بین‌المللی زیرساخت‌هایی که این امکان می‌دهد تا در هنگام جنگ بهترین کمک ممکن را به سرعت دریافت کند، تمهید نماید.

این تشکیلات سعی در بُعد خارجی توانست از طریق هماهنگی با کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به عنوان متولی کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی، به غیرنظامیان که تحت کنترل نیروهای دشمن به سر می‌بردند، رسیدگی کند. از اسرای

منابع

1. Articles of Association of the Red Crescent Society of the Islamic Republic of Iran. Available from: <http://rcs.ir/%D8%A7%D8%B3%D8%A7%D8%B3%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87>
2. The International Committee of the Red Cross as guardian of international humanitarian law. Available from: <https://www.icrc.org/en/doc/resources/documents/misc/about-the-icrc-311298.htm>
3. Melzer N. International humanitarian law: A comprehensive introduction. International Committee of the Red Cross; 2016.
4. Sassòli M, Bouvier AA, Quintin A. How does law protect in war? 3rd edition, ICRC; 2011: p. 93.
5. Fleck D, Bothe M, Fischer H, Gasser HP, Greenwood CJ, von Heinegg WH, Ipsen K, editors. The handbook of humanitarian law in armed conflicts. Oxford University Press, USA; 1999.
6. Office of Veterans Affairs of the Red Crescent Society, eds. Red Epic. First edition, Tehran: Iranian Crescent Scientific-Applied Higher Education Institute; 2020.
7. Statistics of activities of different Red Crescent Society centers. National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran; 1987.
8. Shahrivand newspaper. 2019 January 14, No. 1596.
9. Farahani H, Darvishi F, editors. Iran-Iraq War: Questions and Answers. War Studies and Research Center Publications; 2007.
10. Hatami H, Razavi SM, Eftekhari ardabili H, Majlesi F, Seyed Nozadi M, Parizadeh MJ, editors. Introduction to the Red Crescent Society of the Islamic Republic of Iran. In Comprehensive book of public health. Fourth Edition, Arjmand Publication; 2019.